

اثر جهانی شدن و آزادسازی بر رشد، اشتغال و فقر:

مطالعه موردی پاکستان

تیلات انور

ترجمه بهنام سالم و عزت‌الله بهاری خواجه *

به‌رغم این‌که جهانی شدن به‌عنوان کلید توسعه اقتصادی آینده تلقی می‌شود، اما برخی استدلال می‌کنند که آن فقر را افزایش می‌دهد و تهدیدی برای اشتغال و استانداردهای زندگی فقرا است. مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پاکستان نیز درصدد ادغام اقتصاد خود در اقتصاد جهانی، از طریق آزادسازی سرمایه‌گذاری در رشد تجاری خود است. این مقاله چگونگی تأثیر جهانی شدن و آزادسازی رشد اقتصادی بر اشتغال و فقر را بررسی می‌کند. به‌رغم انگیزه‌های متعدد بسیار جذاب که برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم شده، عملکرد کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ضعیف بوده است. به‌طور مشابه، به‌رغم آزادسازی تجاری قوی، عملکرد ناموفق بوده است. ثبات اولیه حاصل شده عمر کوتاهی دارد زیرا فرایند تعدیل و اصلاح نیروی خود را از دست داده و بعضی از لغزش‌های ایجاد شده به شکل رشد و تکثیر معافیت مالیاتی و امتیاز موجب اجرای اقدام‌های آتی تثبیت خواهد شد. تکرار اقدام‌های تثبیت اقتصادی همراه با آزادسازی، اقتصاد را به یک دور تسلسل کشاند. کاهش میزان تفرقه به زیان درآمدی منتهی و موجب رکود نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی شد و نیاز به کاهش مخارج توسعه‌ای به‌منظور کاهش کسر بودجه را افزایش داد. دولت درصدد بود تا تقاضای کل را نه فقط به‌وسیله ایجاد افزایش‌های دستمزد زیر نرخ تورم بلکه با توقف اشتغال در بخش دولتی، محدود کند. این اقدام‌های توسعه‌ای همراه با آزادسازی موجب رشد کمتر تولید ناخالص داخلی، افزایش بدهکاری، میزان بالای بیکاری و در نتیجه وقوع فقر بیشتر طی دوره آزادسازی شد. ممکن است این نتایج با توجه به این حقیقت حاصل شده باشند که آزادسازی و تبدیل خیلی سریع انجام شدند. عواقب فرایند جهانی شدن

یک روش وسیع‌تر و تخصیص بیشتر وجوه برای کاهش فقر را نشان می‌دهد. برای راهبردهای رشد بیشتر و کاهش فقر موضوع حصول رشد بالاتر باید با الگوی کلی پیشرفت و توزیع اجتماعی ترکیب شود.

۱. مقدمه

جهانی‌شدن بر ادغام بازارهای جهانی کالا، خدمات، امور مالی و تا اندازه‌ای کار متمرکز است. معمولاً این کار با حرکت به سوی آزادسازی تجاری و رژیم تجاری انجام می‌شود. در سطح وسیعی این گونه بحث شده که یک رژیم تجاری آزاد برای یک کشور کوچک باز بهترین راهبرد است زیرا قیمت‌های جهانی را به عنوان داده شده در نظر می‌گیرد. یک رژیم تجاری باز رفاه و درآمد را با تخصیص منابع در تولید و مصرف از طریق هدایت دوباره منابع به سوی حوزه‌های مزیتی نسبی، افزایش می‌دهد. به این ترتیب با حمایت، انگیزه کسب درآمد در فعالیتهای غیرمولد مثل قاچاق، اعمال نفوذ و فرار تعرفه‌ای، کمتر می‌شود. کار تجربی یک رابطه مثبت و قوی میان باز شدن تجاری و رشد اقتصادی را در بلند مدت نشان داده است. ساچز و وارنر (۱۹۹۵) نتیجه گرفته‌اند که اقتصادهای باز حدود ۲/۵ درصد سریع‌تر از اقتصادهای بسته رشد کرده‌اند. در میان کشورهای در حال توسعه این اختلاف حتی بیشتر است.^۱ باز شدن از طریق سطح و کارایی سرمایه‌گذاری با بعضی از روش‌ها بر رشد اثر می‌گذارد. اول این که، رژیم تجاری باز می‌تواند اندازه بازار را افزایش و به این ترتیب موجب سرمایه‌گذاری در صنایع شود، با افزایش بازده‌هایی که در بازار کوچک امکان آن نیست دوم، باز شدن می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری و کالاهای سرمایه‌ای منتهی شود که یا قابل دسترس نبوده یا با هزینه بسیار بالا قابل دسترسی است. سوم، باز شدن می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و موجب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر شود. بالاخره باز شدن می‌تواند به ایجاد و ارائه بیشتر موجودی بهره‌وری جهانی ارتقا دهنده علم و به این ترتیب موجب افزایش رشد شود. با تحقق منافع باز شدن تجاری، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اقتصاد خود را در اقتصاد جهانی ادغام کرده‌اند به‌ویژه از طریق تجارت و جریان‌های مالی از اوایل دهه ۱۹۸۰. این کشورها نه فقط به آزادسازی رژیم تجاری خود پرداخته‌اند بلکه اقتصادهایشان را برای سرمایه‌گذاری خارجی باز کرده‌اند. با اتخاذ سیاست‌های آزادسازی، برای جریان‌های سرمایه خصوصی، این کشورها به صورت مقاصد جذاب درآمده‌اند. جریان‌های سرمایه خصوصی به سوی کشورهای در حال توسعه به ۲۱۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۶ افزایش یافت. همراه با باز شدن تجارت، تغییرات ساختاری در کشورهای منبع و نیز در کشورهای دریافت‌کننده - مقررات زدایی و آزادسازی بازارها، همچنین تنوع دارایی و بین‌المللی کردن عملیات چند ملیتی نیز به ادغام بزرگتر بازار سرمایه بین‌المللی کمک کرده است. با افزایش توسعه و تکوین بازارهای مالی جهانی، کشورهای جهانی با

عرضه تأمین مالی بلندمدت تر - سرمایه مستقیم خارجی - با شکل بسیار مهم تر جریان‌ها از نظر کشورهای در حال توسعه مواجه شدند. در نتیجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از متوسط ۱۸ میلیارد دلار در دوره ۹۰-۱۹۸۶ به ۱۱۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۶ در کشورهای در حال توسعه افزایش یافت.^۲ از جریان‌های سرمایه خصوصی چند کشور آسیای شرقی و امریکای لاتین بیشترین استفاده را کردند و به‌عنوان شرکت‌کنندگان مهم جهانی شدن درآمدند.

مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پاکستان نیز سعی کرده تا اقتصاد خود را برای تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی باز کند. انگیزه آزادسازی ناشی از لزوم اجرای تعدیل در کسری ناپایدار حساب جاری اواخر دهه ۱۹۸۰ است که در آن به علت رکود کشورهای صنعتی، با کاهش تقاضای صادرات مواجه شد. به منظور کاهش کسری حساب جاری، کمک خارجی از (IMF) صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی درخواست شد که این کمک در قالب تنظیم برنامه‌های تعدیل ساختاری و شرایط سیاستی مشمول این برنامه‌ها، ارائه شده؛ مقاله تجربه آزادسازی پاکستان را بررسی می‌کند. تنظیم مقاله به این صورت است:

بخش ۲، اصلاحات سرمایه‌گذاری و روندهای مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در پاکستان را بررسی می‌کند. بخش ۳، اقدام‌های آزادسازی تجاری در کشور را بررسی می‌کند. این اقدام‌ها به‌طور جدا انجام نشده زیرا آن‌ها به‌عنوان قسمتی از برنامه‌های تعدیل ساختاری محسوب می‌شوند. که در قالب صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از اواخر دهه ۱۹۸۰ انجام شده است. در بخش ۴، برنامه‌های تعدیل ساختاری که به منظور اصلاح شرایط بود توازن‌های خارجی و داخلی اجرا شده بحث می‌شود. بخش ۵، بررسی کانال‌های (مجاری) انتقالی که اقدام‌های سیاسی به وسیله آن‌ها فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بخش ۶، در مورد اثر اقدام‌های آزادسازی و جهانی‌سازی بر رشد اقتصادی و اشتغال بحث می‌کند. بخش ۷، در مورد آثار آزادسازی بر فقر در پاکستان بحث می‌کند. بخش ۸، در این بخش راهبرد رشد و کاهش فقر را طراحی می‌کند و جهانی‌سازی را برای فقر انجام می‌دهد. بالاخره بخش ۹، بعضی نتایج تحلیل را ارائه می‌کند.

۲. آزادسازی سرمایه‌گذاری

اگرچه رکود رشد پاکستان طی یک دوره طولانی مدت مؤثر بوده است اما میزان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در سطح پایین باقی مانده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سرمایه‌گذاری به‌عنوان نسبتی از تولید ناخالص داخلی بین ۱۲/۸ و ۱۹ درصد نوسان داشته است (جدول ۱). اما سرمایه‌گذاری به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در اوایل دهه ۱۹۹۰ افزایشی را شاهد بود اما از ۹۳-۱۹۹۲ روند کاهشی داشته و در ۹۹-۱۹۹۸ به پایین‌ترین سطح یعنی ۱۴/۸ درصد رسید که تا حد زیادی ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری بخش

دولتی بوده است. روند کاهشی سرمایه‌گذاری به آهسته‌شدن سرعت رشد در دهه ۱۹۹۰ کمک کرد (دولت پاکستان ۲۰۰۰) این منعکس‌کننده این حقیقت است که اگر کشور مجبور است یک رشد بالاتر پایدار اقتصادی را به‌دست آورد، این کار تنها از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی امکان دارد.

از نظر تاریخی، برای بسیاری از سال‌ها، روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محدودیت‌هایی قرار داشته اما از اواخر دهه ۱۹۸۰ این محدودیت‌ها (دولت پاکستان، ۱۹۹۰/۹۹) به‌شدت کاهش یافته است. در اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت برای اصلاح محیط تجاری به‌صورتی که بتواند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، را جذب کند، تعدادی اقدام‌های تنظیمی سیاستی انجام داد.

- شرط تصویب دولت برای سرمایه‌گذاری خارجی حذف شد، به استثنای چند صنعت.
- مشارکت سهام خارجی تا ۱۰۰ درصد مجاز شد و همچنین سرمایه‌گذاران خارجی مجاز شدند سهام شرکت‌های صنعتی موجود را بر مبنای بازگرداندن آن به میهن خود، خریداری کنند.
- همچنین سرمایه‌گذاران خارجی به مذاکره و شرایط پرداخت حق فنی و امتیازی که برای آن‌ها مناسب باشد و نیز قابل قبول شرکت‌های چندملیتی برای انتقال فن‌آوری باشد، مجاز شدند.
- همچنین، دولت نظام ارز خارجی را آزاد کرد. خارجی‌ها مجاز شدند پول خارجی را بیاورند، آن را همراه داشته باشند، خارج کنند و حساب باز کنند و گواهی‌نامه‌های پول خارجی را نگه‌دارند.
- انتقال کلی پول و سرمایه و سود (سود سهام) از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دارایی سرمایه‌گذاری که به‌وسیله سرمایه‌گذاران خارجی تهیه شده نیز بدون اجازه قبلی یا تسویه بانک دولتی پاکستان مجاز شد.
- برای این‌که رژیم ارز خارجی بیشتر آزاد شود، روبیه، پاکستان از جولای ۱۹۹۴ قابل تبدیل شد.
- مجموعه وسیعی از مشوق‌های سرمایه‌گذاری شامل تسهیلات اعتباری، مشوق‌های مالی و تسهیلات ویزا نیز به‌وسیله دولت داده شود.

- سیاست وارداتی نیز آزاد شد و حداکثر میزان تعرفه به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. تعداد زیادی از محدودیت‌های کتبی (مقداری) و موانع غیرتعرفه‌ای حذف شد.

- در ۱۹۹۷، کشاورزی، خدمات زیربنایی و بخش‌های اجتماعی بر مبنای قابل بازگشت بودن آن‌ها به کشور به‌روی سرمایه‌گذاران خارجی باز شد.

علاوه بر اقدام‌های تنظیمی و سیاستی یادشده، مجموعه وسیعی از مشوق‌های مالی و تخفیف‌ها به سرمایه‌گذاران خارجی به‌منظور جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داده شد. همراه با آزادسازی، سیاست‌های سرمایه‌گذاری، مقررات‌زدایی و آزادسازی تجاری نیز طی این دوره اتخاذ شد.

روندهای سرمایه‌گذاری خارجی

جدول ۲، نشان‌دهندهٔ ورود جریان سرمایه‌گذاران خارجی در پاکستان طی ۱۵ سال اخیر است. سرمایه‌گذاری خارجی در دههٔ ۱۹۹۰ از میزان کم ۹۳ میلیون دلار در ۸۵-۱۹۸۴ به سرعت شروع به افزایش کرد. به طور آشکار با شروع برنامه کلی آزادسازی در اوایل دهه ۱۹۹۰، جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی به سرعت رشد کرد. در نتیجه، بعد از اجرای وسیع برنامه آزادسازی دارایی سرمایه‌گذاری تا ۱/۰۸۹ میلیارد دلار در ۹۴-۱۹۹۳ افزایش یافت. اما افزایش اساسی در اصل ناشی از فروش اسناد ضمانت‌نامه بود که یک حادثه زمانی است. به طور مشابه، دراصل جریان ورودی کل سرمایه‌گذاری ۹۵ درصد افزایش یافت و به ۱/۳ میلیارد دلار در ۹۶-۱۹۹۵ رسید که ناشی از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در پروژه نیروی خصوصی بود (جدول ۱).

این نشان می‌دهد که اگرچه سرمایه‌گذاری خارجی به سرعت به صورت مطلق افزایش یافت اما وقتی با کشورهای آسیای جنوب شرقی (کره جنوبی، اندونزی، مالزی، تایلند، فیلیپین) مقایسه می‌شود بی معنا به نظر می‌رسد.

در ۱۹۹۶، جریان ورودی سرمایه خالص خصوصی به این کشورها حدود ۱۰۶ دلار بود (بورکی، ساویتسکی، ۲۰۰۰).

اما، جریان ورودی خالص سرمایه‌گذاری طی دو سال اخیر از ۸۲۲/۶ به ۴۷۸/۳ میلیون دلار کاهش یافت. تحریم‌های اقتصادی تحمیل شده به وسیله بعضی کشورهای منبع بعد از آزمایش انفجار هسته‌ای و بحث پروژه‌های نیروی مستقل (TPP) از عوامل کمک‌کننده این نتیجه معکوس بودند. بررسی وضع سهام سرمایه‌گذاری خارجی بر حسب کشورها نشان می‌دهد که بزرگترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در پاکستان طی دههٔ اخیر بوده است (جدول ۲). در ۹۹-۱۹۹۸، بزرگترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ایالات متحده (۴۵/۴ درصد) و بعد از آن انگلستان (۱۸/۹ درصد)، ژاپن (۱۲/۵ درصد)، عربستان سعودی (۴/۸ درصد) و آلمان (۴/۲ درصد) وارد شد.

این نشان می‌دهد که به رغم انگیزه‌های بسیار جذاب ایجاد شده برای سرمایه‌گذاران خارجی، عملکرد پاکستان برای جذب آن طی ۱۵ سال اخیر ضعیف بوده است. از جمله عوامل^۴ مسؤول این نتیجه ضعیف، نبود ثبات سیاسی، قوانین غیرمطلوب و شرایط ثبت و سفارش کالا به ویژه در کراچی - بزرگترین مرکز تجاری و صنعتی - فرایند اداری کند، تسهیلات ناکافی زیربنایی، نبود توازن‌های کلان اقتصادی و کاهش فعالیت‌های اقتصادی همراه با سیاست‌های ناسازگار اقتصادی دولت‌های متوالی، است.

۳. آزادسازی تجاری

در اواخر دهه ۱۹۸۰، همراه با آزادسازی سرمایه‌گذاری، پاکستان سعی کرد رژیم تجاری خود را آزاد کند تا بازار خود را در اقتصاد جهانی ادغام کند. به لحاظ تاریخی کشور از دهه ۱۹۵۰ راهبرد جانشین واردات را دنبال کرد به این وسیله برای صنعت محیط حمایتی ایجاد کرد. به منظور حمایت از تولید داخلی، تعرفه‌های بالا و محدودیت‌های مقداری روی واردات وضع شد. اما میزان حمایت بسیار بالا بود. طی دهه ۱۹۶۰، سطح متوسط حمایت فراهم شده به وسیله کلیه منابع (تعرفه‌ها به علاوه غیرتعرفه‌ها) ۲۷۱ درصد بود که در مقایسه با آن این رقم در مکزیکو تنها ۲۷، در تایوان ۳۳، در فیلیپین ۴۹ و در برزیل ۱۱۸ درصد بود.^۵ این یک ساختار صنعتی ناکارا با هزینه بالای منابع ایجاد کرد. سطح ناکارایی بر حسب هزینه منابع داخلی در ۱۹۶۸-۶۹ حدود ۱/۲۰ درصد بود، که در ۸۱-۱۹۸۰ به ۳/۳۳ درصد افزایش یافت.^۶ اما ملی کردن صنایع مهم در ۱۹۷۲ با این ناکارایی‌ها در ساختار صنعتی ترکیب شد و فرایند جهش صنعتی را عقیم (خشتی) کرد. که با گذشتن شدید رشد صنعتی از ۹/۹ درصد در دهه ۱۹۶۰ به ۵/۵ درصد در دهه ۱۹۷۰، انعکاس یافت. اگرچه هزینه منابع داخلی از ۳/۳ درصد در ۸۱-۱۹۸۰ به ۱/۴۴ درصد در ۹۱-۱۹۹۰ کاهش یافت، رژیم تجاری به علت پراکندگی وسیع میزان تعرفه و معافیت‌های متعدد تا حد زیادی پیچیده باقی ماند. رژیم تجاری به جای تکیه بر موانع تعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخلی روی موانع غیرتعرفه‌ای تکیه داشت که تورش‌ی ضد صادراتی را ایجاد کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰، دولت تغییر مهمی در سیاست صنعتی و تجاری از جانشینی واردات با نگاه به داخل و ارتقاء صادرات با نگاه به خارج و آزادسازی تجاری انجام داد. اصلاحات ذیل به منظور آزادسازی رژیم تجاری از جولای ۱۹۸۸ انجام شده است.^۷

در ۸۸-۱۹۸۷ بیشتر موانع غیرتعرفه‌ای روی واردات با تعرفه‌ها تعویض شد؛ بیشترین میزان تعرفه از ۲۲۵ درصد به ۱۰۰ درصد در ۹۱-۱۹۹۰ کاهش یافت اقسام تعرفه از ۱۷ به ۱۰ مورد کاهش پیدا کرد و نرخ‌های مختلف فروش در میان کالاها به وسیله یک میزان مالیات فروش متحد ۱۲/۵ درصدی تعویض شد. بیشترین میزان تعرفه (به استثنای اتومبیل) بعدها به ۷۰ درصد در ۹۵-۱۹۹۴، ۶۵ درصد در ۹۶-۱۹۹۵، ۴۵ درصد در ۹۸-۱۹۹۷ و بالاخره ۳۵ درصد در ۹۹-۱۹۹۸ کاهش یافت. کلیه تعرفه‌های فرعی در داخل رژیم تعرفه‌ای قانونی ادغام شده و به این ترتیب اکنون ورود تمام اقلام مجاز است به استثنای چند قلم به لحاظ محدودیت‌های مذهبی، بهداشتی و امنیتی.

- در ماه می ۱۹۹۹ نرخ ارز شناور مدیریت شده که از ۱۹۸۲ عمل می‌شد به نرخ شناور بین بانکی تعیین شده در بازار با قابلیت تبدیل پول مربوط به حساب تجاری، تبدیل شد.

شایان ذکر این که تعرفه‌های مطرح شده اکنون کاملاً زیر حد تعرفه‌ای بانک تجارت جهانی (WTO)

است.^۸ سطح کلی آن در بانک تجارت جهانی بین ۲۰ تا ۵۰ درصد بود (به استثنای کشاورزی) در حالی که میزان تعرفه‌ای پاکستان دامنه‌ای بین ۳۵ - ۰ درصد را نشان می‌دهد (به استثنای اتومبیل). این متضمن آن است که میزان واقعی آزادسازی تجاری پاکستان بیشتر از الزام بانک تجارت جهانی است. شایان ذکر این که به رغم کاهش اساسی میزان‌های تعرفه، درجه باز شدن پاکستان وقتی به شکل تجارت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می‌شود نه فقط محدود بلکه بعد از برنامه آزادسازی کاهش یافته است. در ۹۳-۱۹۹۲ تجارت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، ۳۲/۵ درصد بود که در ۹۹-۱۹۹۸ به ۲۸ درصد کاهش یافت که در ابتدا به علت کاهش واردات بود (جدول ۴). در مقایسه با این رقم، میزان باز بودن در ۹۶-۱۹۹۶ به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در بنگلادش ۳۸ درصد، در چین ۴۰ درصد، در اندونزی ۵۱ درصد، در تایلند ۸۳ درصد و در مالزی ۱۸۳ درصد بود (بانک جهانی، ۱۹۹۹).

علاوه بر کاهش اساسی در میزان تعرفه و حذف موانع غیرتعرفه‌ای، چندین فقره (مورد تضمینی) نیز اعلام شد تا صادرات را رونق دهد متوسط کاهش ارزش سالانه روپیه در برابر دلار ایالات متحده سالانه ۹/۹ درصد در دهه ۱۹۹۰ بود. اما به رغم کاهش ارزش پول مکرر و اصلاحات وسیع تجاری دهه ۱۹۹۰، عملکرد تجاری ناموفق بوده است. در مقایسه با دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که در آن‌ها به ترتیب صادرات سالانه ۱۸/۶ و ۸/۵ درصد رشد است، رشد متوسط سالانه در دهه ۱۹۹۰ فقط ۴/۵ درصد بود (جدول ۴). عملکرد صادراتی پاکستان وقتی که با سایر کشورهای در حال توسعه مقایسه می‌شود به نسبت ضعیف بوده است. در ۹۶-۱۹۹۶ صادرات پاکستان هشت میلیارد دلار بود که در مقایسه با آن هند (۳۲/۳ میلیارد دلار)، اندونزی (۴۹/۷ میلیارد دلار)، تایلند (۵۵/۷ میلیارد دلار)، مالزی (۷۸/۱ میلیارد دلار)، کره (۱۲۴ میلیارد دلار) و چین (۱۵۱ میلیارد دلار) صادرات داشتند.

۴. برنامه‌های تعدیل ساختاری

طی یک دوره زمانی طولانی، کشور فراتر از ابزارش زندگی می‌کرده است و قرض کردن از خارج و منابع داخلی را تجدید می‌کرد، تاکسری بودجه را تأمین مالی کند. در نتیجه، در طول زمان، مخارج دولت سریع‌تر از درآمد رشد کرد. در نتیجه، کسری بودجه در اواخر دهه ۱۹۹۰ به یک سطح ناپایدار رسید. کسری بودجه تا پایان سال مالی ۸۸-۱۹۸۷، ۹/۴ درصد تولید ناخالص داخلی و کسری جاری ۳/۱ درصد تولید ناخالص داخلی بود (جدول ۴ و ۷). بدهی داخلی دولت طی دوره ۸۱-۱۹۸۰ تا ۸۸-۱۹۸۷ دو برابر شده به ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی و بدهی خارجی از ۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت و باعث نسبت خدمات بدهی خارجی ۲۸ درصدی شد. ذخیره به ۴۳۸ میلیون دلار، مساوی با کمتر از سه هفته

واردات کاهش یافت. تورم به بیش از نه درصد رسید (دولت پاکستان، ۱۹۹۲). افزایش نبود توازن‌های داخلی و خارجی که در اصل به علت چسبندگی‌های ساختاری و خرابی رژیم تجاری بود موجب بحران اقتصادی ۱۹۸۸ شد و به اجرای برنامه تعدیل ساختاری میان‌مدت در قالب بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول منتهی شد. از این تاریخ به بعد، کشور سه برنامه تعدیل ساختاری را دنبال کرد - اول در ۱۹۸۸، دوم در اواسط ۱۹۹۳ و سوم در ۱۹۹۷ - این برنامه‌ها طراحی شدند تا چسبندگی‌های ساختاری و خرابی در سیستم مشوق را حذف کنند تا توازن‌های کلان اقتصادی در سطوح پایدار ایجاد شود. اصلاحات سیاستی با اقدام‌های تثبیت کوتاه‌مدت و اقدام‌های تعدیل بلندمدت ترکیب شد. اجزای اصلی اقدام‌های تثبیت، سیاست‌های مالی و پولی سخت توأم با متع افزایش اشتغال، دستمزد و سیاست‌های نرخ ارز بود در حالی‌که اقدام‌های تعدیل بلندمدت تر کاهش تعرفه و حذف موانع غیرتعرفه‌ای، حذف کنترل‌های قیمتی و حذف خرابی‌های نرخ ارز بود. این برنامه‌های تعدیل از طریق اصلاحات سیاستی در مالیه، تجارت، صنعت، کشاورزی و بخش انرژی حاصل می‌شوند. این اقدام‌ها به شرح ذیل خلاصه می‌شوند:

- اقدام‌های مالی با هدف تحرک منابع بوده است تا کاهش نظام درآمدی را از طریق مالیات کلی فروش افزایش دهد؛ بازسازی نظام مالیات درآمد، حذف بسیاری از معافیت‌های حقوق گمرکی واردات و افزایش قیمت بهره‌مندی دولتی و سایر خدمات.

- رعایت شرایط مالی دولت بر مبنای بازار برای حذف اقشار بازارهای مالی.

- وضع میزان وام‌دهی بر مبنای بازار از طریق مرحله‌بندی طرح بهره امتیازی و برنامه اعتبار هدایت شده.

- خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی از جمله، بانک تجاری مسلمانان و تجویز تشکیل بانک‌های تجاری خصوصی.

- دولت به منظور کاهش کنترل‌ها و ارتقای خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری جدید در بخش صنعتی تعدادی از اقدام‌ها را اجرا کرد.

- همچنین دولت با منطبق کردن قیمت‌های داده و ستاده با هزینه‌های منابع، اصلاحات بخش کشاورزی با رجوع به قیمت‌های بین‌المللی و حذف تدریجی یارانه‌ها اجرا کرد. دولت همچنین مشوق‌هایی را برای بخش خصوصی فراهم کرد تا به طور فعال در بازاریابی داده و ستاده و توزیع مشارکت کند.

- در راهبرد انرژی، قیمت تولیدات نفتی، گاز و نیرو نیز منطقی شد تا کارایی، تحرک منابع و فقط انرژی ارتقاء یابد.

اما این اصلاحات تا حد زیادی در پاکستان قابل بحث بوده است. این اصلاحات به لحاظ کاهش شدید تقاضای کل که باعث یک کاهش غیرتضمینی تولید (ستاده)، اشتغال و نیز کاهش استانداردهای زندگی فقرا

می‌شود مورد انتقاد واقع شده است. در این شرایط، بررسی چگونگی اثر اصلاحات بر فقرا جالب توجه است. بخش بعدی درصدد است بعضی کانال‌های انتقال آثار این اصلاحات بر فقرا را تشکیل کند.

۵. آثار جهانی‌سازی روی فقر

در حالی‌که فرایند جهانی‌سازی به‌عنوان یک کلید برای توسعه بیشتر اقتصادی تلقی می‌شود با این حال به‌عنوان یک اقتصاد مخالف تلقی شده که فقر را در داخل کشور و میان کشورها افزایش می‌دهد. بررسی در این زمینه جالب توجه است.

- جهت آثار کامل جهانی‌سازی روی استاندارد زندگی اقشار فقیر جامعه در کشورهای در حال توسعه چیست.

- چگونه این آثار کل در داخل منافع یا ضررهای خالص برای فقرا در کشورهای در حال توسعه تعبیر می‌شود؟^۹ ۱. ارائه طرحی از کانال‌های انتقال جهانی‌سازی در نمودار (۱) داده می‌شود.

کانال‌های انتقال: جهانی‌سازی به فقر

مرحله جهانی‌سازی به‌وسیله توسعه الگوی جدید اقتصادی طرح می‌شود که فرصت بیشتری برای عملکرد بازارها درون کشور و میان کشورها فراهم می‌آورد. این فرایند به افزایش ادغام اقتصادها در اطراف جهان، به‌ویژه از طریق جریان‌های مالی و تجاری همچنین به حرکت فن‌آوری در میان کشورها مربوط می‌شود.

تجارت بین‌الملل

- به‌طور کلی در میان‌مدت به بلندمدت تجارت به فقرا کمک خواهد کرد زیرا کار داری اولیه فقر است و تجارت موجب بازده برای کار است زیرا این عامل (کار) به‌طور نسبی در اکثر کشورهای با درآمد کم فراوان است. اما این تعریف از قضیه استالپر - ساموئلسون به‌دست آمده که به‌منظور جواب سؤال در مورد تجارت و فقر در دنیای واقعی ناکافی است زیرا این قضیه براساس فرضیه‌های محدودکننده ساخته شده و وقتی این فرضیه‌ها نقض می‌شود معین بودن آن از بین می‌رود.^{۱۰}

در کوتاه‌مدت به بلندمدت مصرف‌کنندگان تولیدهای ارزان‌تری به‌دست می‌آورند ولی مصرف‌کنندگان شهری و غیرفقیر احتمالاً بیش از فقرا از آزادسازی واردات منتفع می‌شوند. در مقابل تولیدکنندگان مستقر شهری و روستایی احتمالاً از واردات متضرر می‌شوند.

جریان‌های بین‌المللی سرمایه

جریان بلندمدت ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به نفع کار در کشورهای کمتر توسعه یافته است در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارتباط بازبودن با رشد از طریق سرمایه‌گذاری قوی است زیرا به عنوان یک نیروی قدرتی برای رقابت و ابداع عمل می‌کند که مشوق بنگاه‌های داخلی برای کاهش هزینه‌شان است. اما موفقیت اصلاحات تجاری وابسته به آینده سرمایه‌گذاری است که ممکن است در صورت ناطمینانی به سیاست‌های آتی ایجاد نشود.

جریان‌های کوتاه‌مدت بی‌نظمی‌های اقتصادی را جبران و اشتباهات سیاسی را کاهش می‌دهد جریان‌های مالی خارجی ممکن است به بالا رفتن ارزش نرخ ارز منتهی شود، بنابراین مدیریت نرخ ارز در این رابطه حیاتی است.

جریان‌های بین‌المللی کار

به طور کلی مهاجرت چه در کوتاه‌مدت و چه بلندمدت، به فقرا کمک می‌کند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از افزایش قیمت نفت در خاورمیانه منتفع شده‌اند زیرا در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تعداد زیادی از کارگران غیرماهر به کشورهای خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند. انتقال پول آن‌ها به خانواده‌هایشان به سرمایه‌گذاری در ارتقاء درجه توسعه انسانی فرزندان‌شان و به دست آوردن مهارت‌های جدید و ورود سرمایه به کشور هنگام مراجعت آن‌ها منتهی شد اما اکنون با تجارت و جریان‌های سرمایه بیشتر، نیاز برای حرکت کار کمتر است.

کانال‌های انتقال: آزادسازی (تعدیل) فقر

ثبات کلان اقتصادی داخلی

- تورم کمتر، به هر کسی به ویژه فقرا کمک می‌کند.

- ناطمینانی سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

اختلالات (تحریف‌های) کمتر قیمت نسبی

کاهش تعرفه و حذف موانع غیر تعرفه‌ای می‌تواند در کوتاه‌مدت موجب کاهش اشتغال و تولید در صنایع حمایت شده شود، بنابراین فقرا را به طور معکوس تحت تأثیر قرار دهد. اما به طور کلی در میان‌مدت به بلندمدت که منابع برای ارتقاء صادرات دوباره از بخش غیرقابل مبادله به بخش قابل مبادله تخصیص می‌یابد، این آثار منفی تخفیف پیدا می‌کند. هزینه‌های تعدیل ممکن است نسبت به منافع آزادسازی تجاری

کوچک باشد. اما بر حسب ضرر تولید و اشتغال، هزینه تعدیل ممکن است اساسی باشد به ویژه وقتی که سطح بالایی از حمایت وجود داشته باشد.^{۱۱}

معمولاً حمایت تجاری مصرف تورش ضدکشاورزی است، بنابراین حذف کنترل‌های قیمتی در مورد کشاورزی به افزایش درآمد کشاورزان فقیر کمک می‌کند. اما قیمت‌های بیشتر مواد غذایی و حذف یارانه‌های مصرفی ممکن است به روستائیان بی‌زمین (در کوتاه‌مدت) و مصرف‌کننده فقیر شهری صدمه وارد کند. به علاوه، ممکن است کشاورزان فقیر قادر به استفاده از فرصت‌ها و حمایت خودشان در برابر آثار معکوس آزادسازی تجاری نباشند. برای آزادسازی موفق عوامل مختلف دیگری حائز اهمیت است. به عنوان مثال، کارایی کانال‌های توزیع باعث می‌شود فقرا منافع انگیزه بیشتر، دسترسی به داده‌های وارداتی و دسترسی به داده‌های محلی از جمله اعتبار را دریافت کنند. و قادر شوند عکس‌العمل عرضه‌ای را انجام دهند. چون در بیشتر کشورهای در حال توسعه این عوامل وجود ندارد بنابراین کشاورزان احتمال دارد منابع فوری آزادسازی را به دست نیاورند.

حذف نوسان‌های نرخ ارز می‌تواند به کشاورزی کمک کند (بیشتر فقرا در مناطق روستایی کشورهای کم درآمد) زیرا انگیزه‌های تولیدکننده اصلاح می‌شود. اما کاهش ارزش پول داخلی برای بازسازی قیمت‌های نسبی و انگیزه‌ها کالاهای غیرقابل مبادله را افزایش داده و قیمت کالاهای مصرفی داخلی را بالا می‌برد و کاهش ارزش پول دیگری را برای اصلاح رقابت‌پذیری صادرات می‌طلبد. بنابراین انتظار می‌رود با هر بار کاهش ارزش پول، بر تورم و دور تسلسل کاهش ارزش پول و تورم روی درآمد واقعی اقشار فقیر جامعه آثار منفی بر جای گذارد.

تغییر درآمد دولتی و شکل‌های مخارج

آزادسازی می‌تواند به کاهش درآمد دولت منتهی شود که به نوبه خود توانایی آن را دارد که موجب کاهش سطح مخارج دولت شود و توانایی دولت برای خرج کردن در بخش اجتماعی تا توزیع دوباره برای فقرا را محدود کند. انتظار می‌رود آزادسازی تجاری درآمد را در بلندمدت کاهش دهد و البته باید انجام پذیرد. بنابراین برای جبران ضررهای درآمدی، منابع ممکن دیگری از طریق اصلاحات مالیات داخلی باید فراهم شود.

مخارج دولت در مورد سلامت و آموزش مقدماتی مورد حمایت قرار گیرد زیرا طی دوره کوتاه‌مدت احتمال دارد مبنای درآمدی کاهش یابد.

مهاجرت روستایی - شهری

کاهش موانع در کشاورزی متضمن مهاجرت آهسته‌تر به مناطق شهری است. این آثار و کانال‌ها همیشه غیرمبهم و آشکار نبوده و باید احتیاط‌ها را به‌خاطر داشت.

الف) رشد اقتصادی در کانال اصلی انتقال

اغلب از طریق رشد بالاتر و از طریق کانال‌های انتقال یادشده، آثار جهانی‌سازی بر فقر عمل می‌کند. تا حدی که بازبودن، کارایی را اصلاح و به رشد بیشتر منتهی شود، انتظار می‌رود دستمزدهای واقعی افزایش و بنابراین فقر کاهش یابد.

ب) اثر بازبودن به رشد اقتصادی

ارتباطات از آزادسازی به‌سوی رشد، احتمالاً بخشی با ارتقاء پیشرفت فنی، به‌عنوان مثال با ساخت داده‌های جدید یا فن‌آوری جدید یا فن‌های جدید مدیریتی قابل دسترس برای تولیدکنندگان داخلی، عمل می‌کند. تعدادی از مطالعات بین‌کشوری مثل دُلا (۱۹۹۲)، ساچ و وارنر (۱۹۹۵) و ادوارد (۱۹۹۸) یک رابطه مثبت میان بازبودن تجاری و رشد اقتصادی طی یک دوره بلند زمانی را نشان داده‌اند. اما به تازگی، رودریگز و رودریک (۱۹۹۹) و هریسون و هانسون (۱۹۹۹) با این مطالعات برخورد کرده‌اند. و کار آن‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از روش‌های اندازه‌گیری بازبودن به‌گونه‌ای معنادار ناقص بوده است. مؤلفان همچنین نشان داده‌اند حتی اندازه مرسوم بازبودن مورد استفاده ساچ و وارنر (۱۹۹۵) رابطه قوی با رشد بلندمدت ندارد. بنابراین، آثار مثبت آزادسازی روی رشد هنوز قابل بحث است.

ج) از رشد اقتصادی به فقر

آثار آزادسازی و جهانی‌سازی از طریق رشد بالاتر اقتصادی روی فقر عمل می‌کند که در کاهش فقر نقش کلیدی دارد. رشد به‌طور جدی توزیع درآمدی را بدتر می‌کند، چون با افزایش درآمد متوسط مطلق، تعداد فقرا کاهش می‌یابد. شواهد بیانگر آن است که گرچه اغلب رشد به رشد نابرابری (یا کاهش اقتصادی با تضعیف نابرابری) مربوط می‌شود، آثاری که بر فقر گرایش دارد به‌وسیله آثار مزیتی مستقیم غالب می‌شود. به‌عنوان مثال در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، رشد فقر در پاکستان را کاهش، در حالی که نابرابری را افزایش داده است. بنابراین اگر ادعا شود که باز بودن موجب ارتقاء رشد می‌شود، حقیقت دارد. همچنین ممکن است بر فقرا آثار منفعت بخشی به تنهایی از طریق مسیر رشد صورت گیرد. در کاری که به تازگی انجام شد. دلار و کرای (۲۰۰۰) درآمد متوسط فقرا (۲۰ درصد پایین) را به درآمد متوسط کل به‌علاوه بعضی متغیرهای

اضافی مربوط می‌کنند. مؤلفان دریافتند که درآمد فقرا نسبتی از درآمد متوسط فقر است و این‌که به متغیرهای دیگری غیر از درآمد متوسط مربوط می‌شود.

اما دلار و کرای (۲۰۰۰) میانگین درآمد فقرا را با استفاده از کوانتیل فقیرترین؛ به صورت حاصل ضرب سهم درآمد به دست آمده از کوانتیل فقیرترین تولید ناخالص داخلی سرانه، به دست آوردند که متضمن استفاده از دو منبع مختلف آماری یعنی - بررسی‌های خانوار و داده کل تولید ناخالص داخلی سرانه (اندازه‌گیری شده در PPP) - است. ممکن است اشاره شود که به دست آوردن درآمد فقرا به این روش از سهم درآمدی کوانتیل فقیرترین، درآمد نسبی فقرا را به دست می‌دهد، نه درآمد مطلق. شایان ذکر این‌که سهم نسبی کوانتیل فقیرترین می‌تواند به عنوان نتیجه کاهش کلی اقتصادی اصلاح شود همان‌طوری که در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دنبال اجرای برنامه‌های تعدیل و تثبیت توصیه شده، به وسیله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مشاهده شده است. اما بهبود درآمد نسبی یا سهم درآمدی متضمن بهبود رفاهی فقرا نیست زیرا درآمد مطلق یا حداقل درآمد مطلق برای فقر اهمیت دارد. چون تعداد زیادی از مردم کشورهای در حال توسعه سعی دارند در سطح درآمد معیشتی زندگی کنند، مفهوم فقر مطلق که به وسیله خط فقر در شرایط حداقل مطلق در سطح معیشتی رسم می‌شود برای اندازه‌گیری تغییرات رفاه جامعه مناسب‌تر است. علاوه بر این‌که مصرف سرانه خصوصی، شاخص بهتری از تولید ناخالص داخلی سرانه است، زمانی که رفاه جامعه لازم باشد از داده‌های کلی نظیر حساب‌های ملی اندازه‌گیری می‌شود. به علاوه، در اندازه‌گیری رفاه در شرایط حقیقی استفاده از شاخص قیمتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. تولید ناخالص داخلی سرانه در شرایط حقیقی با استفاده از شاخص تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید که به عنوان یک شاخصی قیمتی خوب در اندازه‌گیری رفاه فقرا تلقی نمی‌شود. باید شاخص قیمت مصرفی یا شاخصی که منعکس‌کننده شکل مصرفی فقرا باشد به کار رود تا شاخص استاندارد زندگی را برای به دست آوردن ارزش واقعی آن تعدیل کند. مقایسه این شاخص‌ها نشان‌دهنده آن است که افزایش در شاخص تولید ناخالص داخلی کمتر از شاخص قیمتی منعکس‌کننده شکل مصرفی فقر است که متضمن استفاده بیش از حد از شاخص تولید ناخالص داخلی، تغییرات یا رشد تولید ناخالص داخلی سرانه است.^{۱۲} بنابراین نتایج دلار و کرای (۲۰۰۰) از رابطه یک به یک درآمد فقرا با درآمد متوسط یا متغیر سیاستی شدید بهبود وضع رفاهی فقرا در زمانی که به وسیله معیار حداقل مطلق بررسی شود، نیست.

د) تعدیل کوتاه مدت

به طور کلی آزادسازی تجاری منافع بلندمدتی دارد اما تعدیلی که در یک سبد تولید کشور لازم دارد می‌تواند

به‌ویژه در کوتاه‌مدت به سطح فقر بیشتر منتهی شود. مهم‌ترین مسأله تعدیل در بازار کار است.^{۱۳} اگر عرضه‌های عامل ثابت و دستمزدها قابل انعطاف باشد، در این صورت قضیه استالپر - ساموئلسون پیش‌بینی می‌کند یک افزایش قیمت در کالایی که در تولید کاربرد است دستمزد واقعی را افزایش و بازده واقعی سرمایه را کاهش می‌دهد. اما این قضیه برای جواب سؤال فقر و تجارت کافی نیست. به‌عنوان مثال حتی اگر افزایش قیمت کالاهای کاربر، دستمزدهای کارگران غیرماهر را افزایش دهد، فقط اگر خانوارهای فقیر تا حد زیادی به دریافت‌کننده‌های دستمزدی غیرماهر وابسته باشند، فقر کاهش می‌یابد. با این حال چون کشورهای در حال توسعه با فراوانی کار مواجه هستند می‌توان این را به دستمزدهای بالاتر تجارت آزاد تعمیم داد. اما معلوم نیست کشورهای در حال توسعه که کارگران با کمترین مهارت که به احتمال زیاد فقیر هستند بیشترین عاملی باشند که در تولید کالاهای قابل مبادله به کار می‌روند.

از سوی دیگر چنانچه بازار کار غیرقابل انعطاف باشد در این صورت هزینه تعدیل در شرایط سطح بیکاری بالاتر هم خواهد بود. به‌طور کلی زندگی انفرادی بالای خط فقر، دارایی یا دسترسی به اعتبار دارد تا بتوان به‌وسیله آن‌ها مصرف را یکنواخت کرد و در حالی که کسانی که نزدیک یا زیر خط فقر هستند دارایی کمی دارند، بنابراین قادر به یکنواخت کردن حتی مصرف در دوران مدت کوتاه بیکاری نخواهند بود. بنابراین تعدیل کوتاه‌مدت نه فقط فقر را بلکه تراکم و شدت آن را هم در میان فقرا افزایش می‌دهد.

از تحلیل بالا روشن است که جهانی‌سازی و آزادسازی بر رشد، اشتغال و فقر از طریق کانال‌های مختلفی اثر دارد در رابطه با آثار آزادسازی و جهانی‌سازی بر رشد، اشتغال و فقر یک نتیجه صریح ممکن نیست. با این حال تغییرات در رشد اشتغال و فقر بررسی شده‌اند تا مشاهده شود آیا این تغییرات با حقیقت مطابق با (روش خاص) آزادسازی و جهانی‌سازی سازگار است.

۶. اثر بر رشد و اشتغال

بخش‌های پیشین نشان می‌دهد از اواخر دهه ۱۹۸۰ دولت اقدام‌های آزادسازی را انجام داده و تعدادی از اصلاحات سیاستی تعدیل را اجرا کرده است. این اصلاحات از طریق کانال‌های مختلفی از انتقال بر رشد اقتصادی، اشتغال و فقر اثر دارد. این بخش چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن اصلاحات رشد و اشتغال را در دوره یاد شده بررسی می‌کند. جدول ۵ داده‌های شاخص‌های کلان اقتصادی را نشان می‌دهد. میزان رشد تولید ناخالص داخلی در اواخر دهه ۱۹۸۰ تا حد زیادی کمتر از سال‌های پیش از دهه ۱۹۸۰ رشد کرد. میزان رشد آن از متوسط ۶/۱ درصد دهه ۱۹۸۰ به ۴/۶ درصد دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت. در اصل، این کاهش شرایط بد آب و هوایی، خرابی سیستم‌های آبیاری و زه‌کشی، مخارج نا کافی دولت در مورد زیربنای

بهره‌وری کند و آشفته‌گی سیاسی و نیز ناپایداری به علت تغییر متوالی دولت‌ها را منعکس می‌کند.

کاهش تعرفه حمایت صنایع داخلی را کاهش داد در حالی که آزادسازی نرخ ارز و میزان‌های بهره داخلی هزینه تولید داخلی را افزایش داد. در نتیجه رشد صنعت در مقیاس بزرگ ضعیف و در ۹۷-۱۹۹۶ منفی شد. رشد کمتر تولید ناخالص داخلی با میزان بالای تورم در دامنه ۱۰ تا ۱۳ درصد برای بیشتر سال‌های دوره اصلاح ترکیب شد و به صورت کسری‌های بزرگ مالی و پولی شدن آن‌ها، تکانه‌های معکوس عرضه‌ای به علت کاهش محصولات، عوامل فشار هزینه‌ای مربوط به کاهش مکرر ارزش پول و تعدیل در قیمت‌های بهره‌برداری متجلی شد. تورم بالا احتمالاً از طریق کاهش قدرت خرید فقر بر آن‌ها اثر می‌گذارد. شکاف پس‌انداز - سرمایه‌گذاری در دهه ۱۹۹۰ نسبت به دهه ۱۹۸۰ تا حد زیادی بالاتر شد. زیاده‌شدن شکاف پس‌انداز سرمایه‌گذاری به کاهش در پس‌اندازهای خصوصی و دولتی نسبت داده شده است. در نتیجه به طور مداوم سرمایه‌گذاری از ۱۸/۸ درصد در ۹۶-۱۹۹۵ به ۱۷/۷ درصد در ۹۷-۱۹۹۶، به ۱۷/۱ درصد در ۹۸-۱۹۹۷ و به ۱۴/۸ درصد در ۹۹-۱۹۹۸ کاهش یافت. در نتیجه میزان رشد تولید ناخالص داخلی در اواخر دهه ۱۹۹۰ به طور اساسی کاهش یافت.

در ۹۴-۱۹۹۳ برنامه تعدیل ثبات اولیه از جمله کاهش شدید حساب جاری و یک کاهش دو درصدی تولید ناخالص داخلی در کسری بودجه به شش درصد رسید. اما تثبیت عمر کوتاهی داشت چون فرایند تعدیل و اصلاح حرکت آنی خود را از دست داد و لغزش‌های مہم در اجرای سیاست به شکل ازدیاد و کثرت معافیت و امتیازات مالیاتی واقع شد که به اجرای اقدام‌های بیشتر تثبیت منتهی شد. اقدام‌های مکرر تثبیت اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ بدون این که از طریق اصلاحات ساختاری تبعیت شود، اقتصاد را به یک دور تسلسل کشاند، میزان بالای مالیات بر اساس مالیات کاهش یافته به کاهش پایه مالیاتی به علت فرار مالیاتی و توسعه اقتصاد زیرزمینی منتهی شد. کاهش نسبت مالیات تولید ناخالص داخلی نیاز به کاهش مخارج توسعه را به منظور کاهش کسری بودجه افزایش داد. در نتیجه مخارج دائم توسعه‌ای از ۶/۴ درصد تولید ناخالص داخلی در ۹۱-۱۹۹۰ به ۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی در ۲۰۰۰-۱۹۹۹ کاهش یافت. کاهش مخارج توسعه‌ای نه فقط فرصت‌های شغلی فقرا (به صورت کار غیرماهر روزانه) را در کوتاه مدت کاهش داد بلکه روی کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده به فقرا از طریق زیربناهای اقتصادی و اجتماعی در بلندمدت اثر معکوس داشته است.

کاهش تعرفه به عنوان قسمتی از اقدام‌های آزادسازی تجاری موجب ضرر درآمدی قابل توجهی شده است. درآمد حقوق گمرکی از ۵/۹ درصد تولید ناخالص داخلی در ۹۰-۱۹۸۹ به ۲/۲ درصد تولید

ناخالص داخلی در ۲۰۰۰-۱۹۹۹ کاهش یافته و موجب وابستگی درآمد از طریق مالیات‌های داخلی نظیر مالیات کلی فروش (جدول ۵) شده است. در نتیجه درآمد مالیات فروش از ۱/۸ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۰-۱۹۸۹ به ۳/۴ درصد تولید ناخالص داخلی در ۲۰۰۰-۱۹۹۹ افزایش یافت اما افزایش برای جبران درآمدی مالیات‌های تجاری طی دوره کافی نبود. ضرر درآمدی مالیات‌های تجاری موجب وابستگی شدید به استقراض برای تأمین مالی کسری بودجه شد. در نتیجه بدهی داخلی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی از ۴۳ درصد در ۸۸-۱۹۸۷ به ۴۸ درصد در ۹۸-۱۹۹۷ افزایش یافت. چون بدهی خارجی در ابتدا یک بدهی دولتی است، کاهش مکرر ارزش پول نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را تشدید کرد. بدهی خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی از ۳۴ درصد در ۹۱-۱۹۹۰ به ۳۹ درصد در ۹۹-۱۹۹۸ افزایش یافت. در نتیجه بدهی داخلی و خارجی با هم به شدت رشد و یک نسبت بالای خدمات بدهی - ۸۴/۸ درصد - از کل درآمد مالیاتی را ایجاد کردند (دولت پاکستان ۲۰۰۰).

دولت در صدد بود تا تقاضای کل را نه فقط با ایجاد افزایش دستمزد زیر میزان تورم بلکه با توقف اشتغال در بخش دولتی، مهار کند. به نظر می‌رسد این توسعه‌ها همراه آزادسازی بیکاری را تشدید کرده است. در حالی که میزان کلی بیکاری ابتدا از ۶/۲ درصد در ۹۱-۱۹۹۰ به ۴/۷ درصد در ۹۴-۱۹۹۳ کاهش یافت.^{۱۴} اما طی دوره برنامه دوم تعدیل ساختاری که در آن اصلاحات تجاری به شدت اجرا می‌شد، از ۴/۸ درصد در ۹۴-۱۹۹۳ به ۶/۱۲ درصد در ۹۷-۱۹۹۶ افزایش یافت. به علت این که بیشتر فعالیت‌های صنعتی در مناطق شهری استقرار دارند بیکاری شهری نسبت به بیکاری روستایی خیلی بیشتر تحت تأثیر آزادسازی واقع شده است. بیکاری شهری از ۵/۸۸ درصد در ۹۳-۱۹۹۲ به شدت افزایش و به ۷/۱۰ درصد در ۹۷-۱۹۹۶ طی دوره تعدیل افزایش یافت.

۷. اثر بر فقر

بخش پیشین نشان می‌دهد که در بیشتر سال‌های دوره اصلاح میزان رشد تولید ناخالص داخلی کاهش و تورم تشدید یافت. این عوامل همراه با اقدام‌هایی برای کاهش تقاضای کلی موجب میزان‌های بالاتر بیکاری در دهه ۱۹۹۰ شد. این بخش در مورد چگونگی تأثیر این عوامل بر فقر در میان گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، طی دوره اصلاح پس از ۸۸-۱۹۸۷ بحث می‌کند. اما پیش از بحث در مورد روندهای فقر طی دوره اصلاح، مروری از روندهای ارزیابی رشد اقتصادی و فقر طی چهار دهه اخیر ارائه می‌شود.

تعداد زیادی از اقدام‌ها برای تخمین فقر در پاکستان انجام شده است.^{۱۵} این مطالعات بررسی‌های درآمد

و مخارج خانوارها در سطح کشوری (HIES) که به وسیله اداره آمار فدرال دولت پاکستان انجام شده را به کار برده است تا فقر را طی چهار دهه اخیر تخمین زند. به علت سعی تعداد زیادی از مردم مبنی بر زندگی در سطح معیشتی در پاکستان، مناسب است آن مطالعاتی مورد بحث واقع شود که روی تغذیه فقرا به عنوان معیار فقر تأکید دارند و خط فقر را به عنوان کمترین نیاز تغذیه‌ای یعنی مصرف ۲۵۵۰ کالری که با هزینه کمی برای نیازهای غیرغذایی افزایش می‌یابد.^{۱۶} این روش فردی را که درآمد یا مخارج او برای به دست آوردن کمترین ضرورت برای حفظ کارایی فیزیکی نظیر غذا، لباس، مسکن و غیره ناکافی باشد. فقیر تعریف می‌کند. امجد و کمال (۱۹۹۷) یک سری زمانی سازگار از وقوع فقر را با استفاده از داده‌های طبقه‌بندی شده مطالعات هشت خانوار از ۶۴-۱۹۶۳ تا ۹۳-۱۹۹۲ تخمین زدند این روندها در جدول ۶ ارائه شده است.

شواهد نشان‌دهنده روندهای کلی افزایش در فقر مطلق بین ۶۴-۱۹۶۳ تا ۷۲-۱۹۷۱ است. اما در دوره بعدی شواهد نشان‌دهنده روند کاهشی در مناطق روستایی و شهری در دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ است. این می‌تواند تا حد زیادی ناشی از این حقیقت باشد که طی دوره یادشده اقتصاد شاهد یک رشد قابل ملاحظه (۶ درصد سالانه) بود که در اصل به علت ورود جریان سرمایه به شکل انتقال پول کارگران و کمک‌های خارجی ایجاد شده در بخش‌های کشاورزی و نیرومند صنعت بود. بنابراین شواهد این فرضیه را که روندهای فقر با رشد اقتصادی کاهش می‌یابد را حمایت می‌کند (فیلدز، ۱۹۸۹). این بیانگر آن است که کاهش فقر ناشی از رشد اقتصادی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ است.

در مقایسه با دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، شواهد نشان‌دهنده روندهای افزایشی فقر مطلق در اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ است. انور.تی (۱۹۹۶)، امجد و کمال (۱۹۹۷) و بانک جهانی (۱۹۹۵). روندهای فقر را بین سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ و ۱۹۸۸-۱۹۸۷ با استفاده از مطالعات درآمد مخارج خانوار (HIES) تحلیل کردند. انور (۱۹۹۶) و امجد و کمال (۱۹۹۷) دریافتند که وقوع فقر طی دوره یادشده افزایش یافته است. در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، فقر با سرعت بیشتری افزایش یافته است. مؤلفان دریافتند که این نتایج اجرای برنامه تعدیل ساختاری در چارچوب بانک جهانی صندوق بین‌المللی پول است که از طریق سیاست‌های کاهش شدید مخارج نظیر منع دستمزدی، توقف اشتغال، کاهش مخارج توسعه‌ای، کاهش یارانه‌ها و کاهش مخارج خدمات اجتماعی در اصل در مورد آموزش و بهداشت، دنبال می‌شد. تمام این اقدام‌های سیاستی به همراه کاهش انتقال پول، درآمد واقعی افشار آسیب‌پذیر جامعه را تحت تأثیر معکوس قرار داده است. بنابراین طی دوره یادشده فقر به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

گزارش بانک جهانی (۱۹۹۵) روندهای فقر را در دهه ۱۹۷۰ تحلیل می‌کند. اما نتایجی را ارائه می‌کند

که کاملاً با یافته‌های انور (۱۹۹۶) و امجدو کمال (۱۹۹۷) مغایر است. گزارش اعلام داشته که درصد کلیه افرادی که مخارج مصرفی آن‌ها زیر خط فقر است بین سال‌های ۸۸-۱۹۸۷ تا ۹۱-۱۹۹۰ کاهش یافته است. گزارش بانک جهانی (۱۹۹۵) به نظر می‌رسد گمراه‌کننده باشد زیرا براساس زمینه مقاله گازدر، هاوز وزیدی (۱۹۹۴) است که دو بررسی مختلف از خانوار به کار بردند - بررسی درآمد و مخارج خانوار (HIES) که در ۸۸-۱۹۸۷ بررسی خانوار ادغام شد. بررسی خانوارهای ادغام شده در پاکستان (PIHS) را در ۹۱-۱۹۹۰ به کار برده‌اند تا روندهای این دوره را تخمین بزنند.^{۱۷} شایان ذکر است این بررسی‌های دو خانواری در ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و اقتصادی - اجتماعی قابل مقایسه نیستند. علاوه بر این که بررسی خانوارهای ادغام شده در پاکستان (PIHS) در ۹۱-۱۹۹۰ نسبت به مطالعات درآمد - مخارج خانوار در ۸۸-۱۹۸۷ نمونه خانوارهای خیلی بیشتری دارد. بنابراین کاملاً روشن است که استخراج روندهای فقر از انواع مختلف داده‌ها روندهای گمراه‌کننده‌ای بین سال‌های ۸۸-۱۹۸۷ و ۹۱-۱۹۹۰ هستند. شواهد مربوط به دوره اجرای اصلاحات تجاری به شدت تکان‌دهنده است. شواهد نشان می‌دهد که وقوع فقر به طور اساسی از ۴۰/۲۲ درصد در ۹۳-۱۹۹۲ به ۳۱ درصد در ۹۷-۱۹۹۶ و سپس به ۶/۳۲ درصد در ۹۹-۱۹۹۸ افزایش یافته و متضمن آن است که هر $\frac{1}{3}$ خانوار پاکستان درآمد کافی برای تأمین سهم روزانه ۲۲۵۰ کالری برای هر شخص را ندارد.

شایان ذکر آن‌که این کشور بیش از ابزارهای زندگی کرده و استقراض از منابع داخلی و خارجی را برای تأمین کسری مالی بزرگش در گذشته در نظر گرفته که در اواخر دهه ۱۹۸۰ اصلاً پایدار نبوده است. بعد از ۸۸-۱۹۸۷ کسری بسیار مالی به اجبار کاهش یافت تا از افزایش بار بدهی اجتناب شود. کمک مالی از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی درخواست شد تا نبود تعادل داخلی و خارجی را بهبود دهد.

برنامه‌های تعدیل ساختاری اجرا شد تا ساختار اقتصاد را به گونه‌ای تغییر دهد که توازن حساب جاری و کسری بودجه را اصلاح کند. تحت این برنامه‌ها، اقدام‌های آزادسازی و جهانی‌سازی در قالب بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول انجام شده است به دنبال اجرای برنامه تعدیل ساختاری میزان‌های متوسط رشد کاهش و تورم و بیکاری افزایش یافت. اصلاحات ساختاری از جمله خصوصی سازی، توقف اشتغال و دستمزد در بخش دولتی، کاهش یارانه‌ها، کاهش مخارج توسعه‌ای، افزایش مالیات‌های فروش و هزینه‌های بهره‌برداری، کاهش مکرر ارزش پول و کاهش انتقال پول - به نظر می‌رسد تمامی این‌ها درآمد واقعی اقشار آسیب‌پذیر جامعه را کاهش داده و موجب شده روندهای زمانی معکوس و فقر به طور اساسی در دهه ۱۹۹۰

۸. طراحی راهبرد رشد و کاهش فقر

شواهد نشان می‌دهد که پیش از آزادسازی نرخ رشد بلندمدت (شش درصد سالانه) تولید ناخالص داخلی به کاهش فقر طی دو دهه قبل کمک کرد. در برابر این، به نظر می‌رسد آزادسازی توأم با تعدیل روند بلندمدت در فقر را با کاهش رشد از طریق آثار کاهشی آن‌ها معکوس کرده است. در اصل این به علت این است که صندوق بین‌المللی پول تأکید بسیار روی سیاست‌های انقباضی مالی از طریق سیاست‌های مدیریت تقاضا دارد که اقتصاد را در داخل به وقفه کشانده است. اکنون برای احیای اقتصاد باید به جای توجه کاهش تقاضای کل تأکید بر ارتقاء رشد باشد. اهداف کسری حساب جاری و مالی باید نتیجه فرایند رشد به جای اهداف اولیه سیاست اقتصادی باشد. شواهد نشان می‌دهد طی دو دهه اخیر در پاکستان میزان آستانه‌ای رشد شش درصدی کاهش مهمتی در فقر را به همراه آورده است. بنابراین در سه سال آتی کشور باید نیل به میزان رشد شش درصدی برای کاهش فقر را هدف‌گیری کند.^{۱۹} برای رسیدن به چنین میزان رشدی که هدف الزامی و بلندپروازانه است باید اقدام‌های ذیل انجام شود:

- تعدیل قیمت‌های حمایتی گندم و دانه‌های روغنی به منظور حفاظت واردات و ارتقاء ماهی‌گیران برای صادرات ارزش افزوده؛

- تقویت واحدهای ضعیف صنعتی و ارتقاء مؤسسه‌های کوچک - متوسط برای تنوع پایه صنعتی کشور به منظور ارتقاء صادرات و رشد پایدار؛

- تشدید و توسعه فرایند استخراج (اکتشاف) حوزه نفت و گاز و نیز تقویت سرمایه‌گذاری خارجی در

این بخش؛

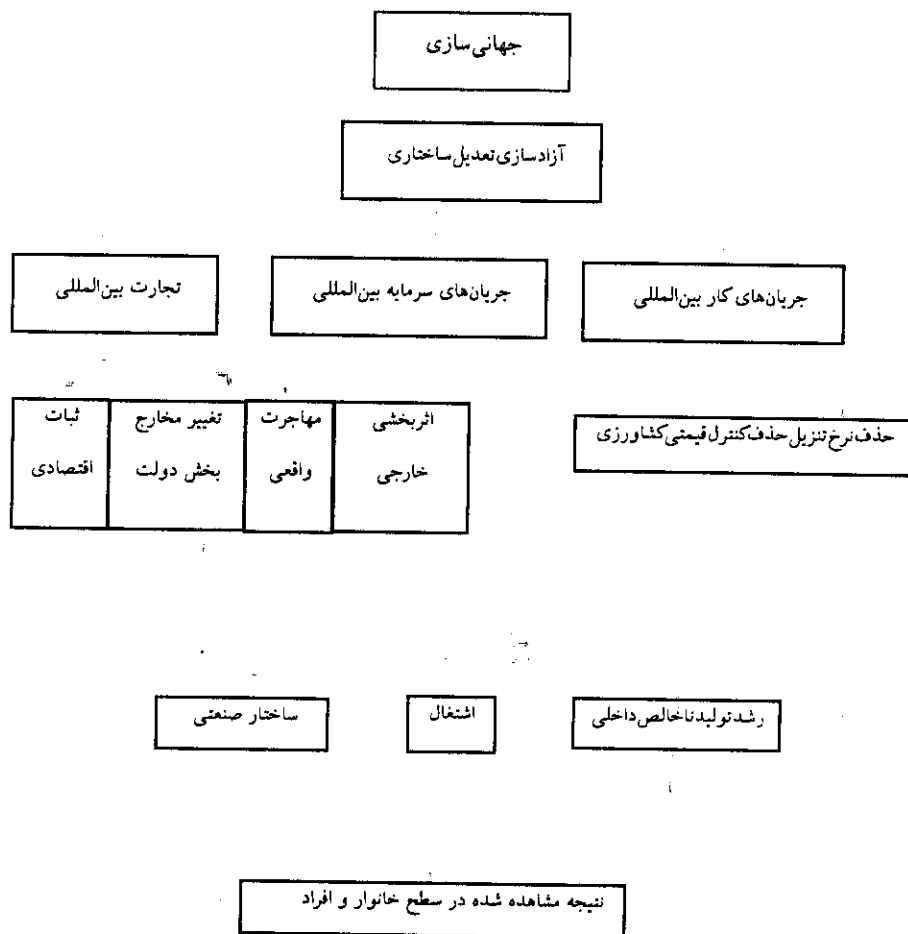
- توسعه فن‌آوری اطلاعات و صنعت نرم‌افزار برای ارتقاء صادرات.

اگرچه افزایش خدمات بدهی فرصت کمی برای توسعه مخارج دولتی گذاشته است اما با افزایش مخارج توسعه و کاهش مخارج جاری می‌توان تحرکی به اقتصاد داد. در پاکستان بخش دولتی با کارکنان فراوان و شرکت‌های بخش دولتی با تراکم نیروی بیش از حد روبه‌رو هستند. به این ترتیب کاهش اشتغال بخش دولتی نه فقط بهره‌وری را افزایش داده بلکه برای افزایش لازم مخارج توسعه‌ای پس‌اندازی را فراهم می‌آورد. مخارج توسعه‌ای افزایش یافته می‌تواند در برنامه‌های کار ایجاد اشتغال شهری و روستایی در فقیرترین مناطق به کار رود. باید در برنامه مناطق فقیر روستایی توسعه مزارع به جاده‌های بازار، لایروبی کانال‌ها، لوله‌کشی منابع آبی، ساخت و حفاظت خاک و آب هدف قرار داده شود در فقیرترین مناطق شهری طرح عرضه آب و زه‌کشی و جمع‌آوری زباله و فاضلاب باید شروع شود. به علاوه باید به ارتقاء دسترسی فقرا به اعتبار توجه

شود که به نفع ایجاد درآمد و ارتقاء اشتغال فقر است.

بخش‌های پیشین نشان می‌دهد که جهانی‌سازی از طریق کانال‌های مختلفی فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظریه‌های سنتی فقر را به عنوان مفهومی ایستا بررسی می‌کند در حالی که جهانی‌سازی فرایندی پویاست که نتیجه مورد اطمینانی را به همراه نمی‌آورد. از نظر سنتی فقر، درآمد یا مصرف کم و توسعه کم انسانی نظیر آموزش، بهداشت و تغذیه را در بر می‌گیرد. نظریه گزارش توسعه جهانی در ۱۹۹۰ فقر را به صورت درآمد کم و آموزش و بهداشت کم تعریف کرده و به این ترتیب راهبرد کاهش فقر را براساس رشد درآمدها و سرمایه‌گذاری در آموزش اساسی و بهداشت مورد توجه قرار داده است. بنابراین برنامه تعدیل ساختاری طراحی شده به وسیله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دو روش راهبردی کاهش فقر را مورد توجه قرار می‌دهد: از یک سو حد و اندازه و از سوی دیگر توسعه انسانی، چنین روشی فقر را بعد از حقیقت یا به عنوان یک موضوع اجتماعی باقی مانده در نظر می‌گیرد. برنامه‌های ضد فقرپیشین موجب کاهش فقر شده بودند روی قسمتی از نظر این که اندازه کلی‌شان محدود و قسمتی برای هدف‌گیری فقرا بوده است.^{۲۰} بنابراین در حوزه جهانی‌سازی و آزادسازی سریع چنین راهبردهایی در بیان موضوع کاهش فقر ناموفق بوده است. شواهد نشان می‌دهد که مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه در پاکستان فقر به سرعت در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است. بنابراین لازم است روش جدید وسیع‌تری اتخاذ شود و وجوه بیشتری اختصاص باید به طوری که کاهش فقر را در مرحله مرکزی سیاست‌گذاری اقتصادی بیاورد. روش جدید باید حصول رشد بالاتر و الگوی کلی پیشرفت اجتماعی و توزیع را ترکیب کند. فرصت‌های اقتصادی برای فقرا فقط در جایی توسعه می‌یابد که اصلاحات با جنبه‌های تکمیلی افزایش قدرت تأمین فقرا همراه باشد. یک راهبرد کاهش فقر باید سازگاری میان اقتصاد کلان کشور، سیاست‌های ساختاری و اجتماعی و اهداف کاهش فقر و توسعه اجتماعی را تضمین کند و به روشی تبدیل شود که شفافیت و مشارکت بر مبنای وسیع در انتخاب اهداف، تنظیم سیاست‌ها و حرکت اجرایی را در برگیرد.

نمودار ۱. ارائه نموداری کانال‌های تبدیل جهانی سازی



جدول ۱: شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (به قیمت جاری)

درصدی از تولید ناخالص داخلی			میلیون روپیه			
شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری	پس‌انداز	شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری	پس‌انداز	سال
-۲/۱	۱۲/۸	۱۰/۷	-۱۴۳۴	۸۶۴۷	۷۲۱۳	۱۹۷۲-۷۳
-۶/۲	۱۳/۲	۷	-۵۴۳۵	۱۱۶۱۴	۶۱۷۹	۱۹۷۳-۷۴
-۱۰/۴	۱۶/۴	۶	-۱۱۵۶۳	۱۸۲۱۸	۶۶۵۵	۱۹۷۴-۷۵
-۷/۲	۱۸/۵	۱۱/۳	-۹۳۸۵	۲۴۰۵۷	۱۴۶۷۲	۱۹۷۵-۷۶
-۶/۹	۱۹/۳	۱۲/۳	-۱۰۴۰۵	۲۸۸۵۶	۱۸۴۵۱	۱۹۷۶-۷۷
-۳/۴	۱۷/۹	۱۴/۵	-۵۹۸۰	۳۱۵۰۵	۲۵۵۲۵	۱۹۷۷-۷۸
-۶	۱۸/۹	۱۲/۹	-۱۱۰۲۹	۳۴۸۷۶	۲۳۸۴۷	۱۹۷۸-۷۹
-۴/۸	۱۸/۵	۱۳/۷	-۱۱۲۸۵	۴۳۳۴۵	۳۲۰۶۰	۱۳۷۹-۸۰
-۳/۶	۱۸/۸	۱۵/۱	-۱۰۱۳۷	۵۲۲۰۷	۴۲۰۷۰	۱۳۸۰-۸۱
-۵	۱۹/۳	۱۴/۳	-۱۶۱۹۳	۶۲۴۴۷	۴۶۲۵۴	۱۳۸۱-۸۲
-۱/۸	۱۸/۸	۱۷	-۶۵۱۵	۶۸۴۶۲	۶۱۹۴۷	۱۳۸۲-۸۳
-۳/۲	۱۸/۳	۱۵/۱	-۱۳۴۸۱	۷۶۷۰۱	۶۳۲۲۰	۱۳۸۳-۸۴
-۵/۴	۱۸/۳	۱۲/۹	-۲۵۴۶۹	۸۶۵۲۵	۶۱۰۵۶	۱۳۸۴-۸۵
-۳/۹	۱۸/۸	۱۴/۹	-۱۹۹۳۷	۹۶۵۴۵	۷۶۶۰۸	۱۳۸۵-۸۶
-۲/۲	۱۹/۱	۱۷	-۱۲۳۴۵	۱۰۹۵۴۰	۹۷۱۹۵	۱۳۸۶-۸۷
-۴/۴	۱۸	۱۳/۶	-۲۹۶۰۴	۱۲۱۶۶۶	۹۲۰۶۲	۱۳۸۷-۸۸
-۴/۸	۱۸/۹	۱۴/۱	-۳۷۱۷۲	۱۴۵۵۷۰	۱۰۸۳۹۸	۱۳۸۸-۸۹
-۴/۷	۱۸/۹	۱۴/۲	-۴۰۵۶۲	۱۶۲۰۷۶	۱۲۱۵۱۴	۱۳۸۹-۹۰
-۴/۸	۱۹	۱۴/۲	-۴۸۶۷۴	۱۹۳۴۴۷	۱۴۴۷۷۳	۱۹۹۰-۹۱
-۳/۱	۲۰/۱	۱۷/۱	-۳۷۲۵۰	۲۴۴۰۵۹	۲۰۶۸۰۹	۱۹۹۱-۹۲
-۷/۱	۲۰/۷	۱۳/۶	-۹۵۷۴۰	۲۷۷۷۴۴	۱۸۲۰۰۴	۱۹۹۲-۹۳
-۳/۸	۱۹/۴	۱۵/۷	-۵۹۲۷۲	۳۰۵۴۷۷	۲۴۶۲۰۵	۱۹۹۳-۹۴
-۴/۱	۱۸/۴	۱۴/۳	-۷۶۶۳۶	۳۴۶۵۰۸	۲۶۹۸۷۲	۱۹۹۴-۹۵
-۷/۲	۱۸/۸	۱۱/۷	-۱۵۳۵۷۵	۴۰۳۴۱۷	۲۴۹۸۴۲	۱۹۹۵-۹۶
-۶/۱	۱۷/۷	۱۱/۶	-۱۴۹۹۶۹	۴۳۶۰۴۳	۲۸۶۰۷۴	۱۹۹۶-۹۷
-۳	۱۷/۱	۱۴/۱	-۸۲۹۷۹	۴۶۸۰۰۸	۳۸۵۰۲۹	۱۹۹۷-۹۸
-۲/۸	۱۴/۸	۱۲	-۸۳۲۸۴	۴۴۶۸۷۲	۳۶۳۵۸۸	۱۹۹۸-۹۹

جدول ۲: ورود جریان سرمایه گذاری در پاکستان

درصدی از تولید ناخالص داخلی			میلیون دلار			
جمع	پورتفولیو	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	جمع	پورتفولیو	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	سال
۱۰۰	۲۵/۰	۷۵/۰	۹۳/۷	۲۳/۴	۷۰/۳	۱۳۸۴-۸۵
۱۰۰	۹/۹	۹۰/۱	۱۶۱/۲	۱۶/۰	۱۴۵/۲	۱۳۸۵-۸۶
۱۰۰	۱۶/۳	۸۳/۷	۱۲۹/۰	۲۱/۰	۱۰۸/۰	۱۳۸۶-۸۷
۱۰۰	۶/۱	۹۳/۹	۱۷۲/۵	۱۰/۵	۱۶۲/۰	۱۳۸۷-۸۸
۱۰۰	۳/۳	۹۶/۷	۲۱۷/۴	۷/۲	۲۱۰/۲	۱۳۸۸-۸۹
۱۰۰	-۲/۲	۱۰۲/۲	۲۱۱/۵	-۴/۷	۲۱۶/۲	۱۳۸۹-۹۰
۱۰۰	-۳/۸	۱۰۳/۸	۲۳۷/۰	-۹/۰	۲۴۶/۰	۱۹۹۰-۹۱
۱۰۰	۳۹/۵	۶۰/۵	۵۵۳/۶	۲۱۸/۵	۳۳۵/۱	۱۹۹۱-۹۲
۱۰۰	۳۰/۹	۶۹/۱	۴۴۳/۲	۱۳۶/۸	۳۰۶/۴	۱۹۹۲-۹۳
۱۰۰	۴۴/۹	۵۵/۱	۶۴۲/۷	۲۸۸/۶	۳۴۵/۱	۱۹۹۳-۹۴
۱۰۰	۷۱/۱	۲۸/۹	۱۵۳۲/۳	۱۰۸۹/۹	۴۴۲/۴	۱۹۹۴-۹۵
۱۰۰	۱۵/۷	۸۴/۳	۱۳۰۶/۹	۲۰۵/۲	۱۱۰۱/۷	۱۹۹۵-۹۶
۱۰۰	۲۸/۲	۷۱/۸	۹۴۹/۵	۲۶۷/۴	۶۸۲/۱	۱۹۹۶-۹۷
۱۰۰	۲۶/۹	۷۳/۱	۸۲۲/۶	۲۲۱/۳	۶۰۱/۳	۱۹۹۷-۹۸
۱۰۰	۵/۵	۹۴/۵	۴۹۹/۶	۲۷/۳	۴۷۲/۳	۱۹۹۸-۹۹
۱۰۰	۱۱/۴	۸۸/۶	۴۷۸/۳	۵۴/۶	۴۲۳/۷	۱۹۹۹-۲۰۰۰

جدول ۳: کل جریان سرمايه گذاري خارجي در پاکستان (بر حسب سہم کشورها)

[illegible]

جدول ۴. شاخص های کلان اقتصادی (۱۹۷۰-۷۱/۱۹۹۹-۰۰)

درصد	GDP درصدی از										سال
	کسری جاری	کسری بودجه	سرمایه سرانه		مقیاس بزرگ		صنعت	کشاورزی	حقیقی GDP		
			درآمد	CPI تورم	خدمات	صنعت					
میزان ییگاری											
۱/۷	۶/۷	-	د/۷		۴/۹	۶/۲	۶/۴	-۳/۱	۱/۲	۱۹۷۰-۷۱	
۲/۰	۳/۸	-	۴/۷	--/۲	د/۱	--/۵	۱/۲	۳/۵	۲/۳	۷۱-۷۲	
۱/۹	۱/۱	۳/۶	۹/۷	۳/۰	د/۲	۹/۲	۸/۷	۱/۷	۶/۸	۷۲-۷۳	
۱/۸	د/۴	د/۲	۳۰/۰	۴/۲	د/۴	۶/۱	۶/۴	۴/۲	۷/۵	۷۳-۷۴	
۱/۷	۹/۴	۹/۳	۲۶/۷	۰/۹	د/۷	-۱/۶	۰/۵	-۲/۱	۳/۹	۷۴-۷۵	
۲/۲	۶/۲	۹/۵	۱۱/۷	۱/۴	د/۷	-۰/۶	۱/۴	۴/۵	۳/۳	۷۵-۷۶	
۲/۱	د/۹	۸/۵	۹/۲	۱/۰	۳/۲	-۰/۲	۱/۸	۲/۵	۲/۸	۷۶-۷۷	
۳/۱	۲/۷	۷/۸	۶/۹	۷/۳	۸/۵	۱۰/۹	۱۰/۲	۲/۸	۷/۷	۷۷-۷۸	
۳/۶	د/۰	۸/۷	۱۱/۲	۲/۹	د/۸	۷/۹	۸/۰	۳/۱	د/۵	۷۸-۷۹	
۳/۶	۳/۷	۶/۸	۱۱/۲	۴/۰	د/۷	۱۱/۰	۱۰/۳	۶/۶	۷/۳	۷۹-۸۰	
۳/۷	۲/۸	۶/۰	۱۳/۹	۲/۲	۶/۶	۱۱/۵	۱۰/۶	۳/۷	۶/۴	۸۰-۸۱	
۳/۸	۳/۴	د/۹	۱۱/۱	۲/۹	۷/۹	۱۵/۷	۱۳/۸	۴/۷	۷/۶	۸۱-۸۲	
۳/۹	۰/۶	۷/۷	۴/۷	۶/۲	۹/۲	۶/۶	۷/۰	۴/۴	۶/۸	۸۲-۸۳	
۳/۹	۲/۲	۷/۷	۷/۳	۱/۱	۷/۶	۷/۷	۷/۹	-۴/۸	۴/۰	۸۳-۸۴	
۳/۷	۴/۱	۸/۳	د/۷	۳/۰	۸/۲	۸/۰	۸/۱	۱۰/۹	۸/۷	۸۴-۸۵	
۳/۶	۲/۴	۸/۷	۴/۴	۲/۵	د/۸	۷/۳	۷/۶	۶/۰	۶/۴	۸۵-۸۶	
۳/۱	۱/۰	۸/۵	۳/۶	۱/۶	د/۹	۷/۲	۷/۵	۲/۳	د/۸	۸۶-۸۷	

ادارة جدول ٤

٣/١	٣/١	٩/٤	٦/٣	١/٦	٦/٨	١٠/٦	١٠/١	٢/٨	٦/٤	٨٧-٨٨
٣/١	٣/٤	٨/١	١٠/٤	١/٤	٢/٨	٤/٤	٤/١	٦/٩	٤/٨	٨٨-٨٩
٣/١	٣/٤	٧/٣	٦/١	١/٦	٤/٥	٤/٧	٥/٨	٣/١	٤/٦	٨٩-٩٠
٦/٣	٣/١	٩/٥	١٢/٧	٤/٦	٥/٢	٥/٤	٦/٣	٥/١	٥/٦	٩٠-٩١
٥/٩	١/٩	٨/٤	١٠/٦	٤/١	٦/٨	٧/٩	٨/١	٩/٥	٧/٧	٩١-٩٢
٤/٧	٦/٤	٨/١	٩/٨	--/٨	٤/٦	٤/١	٥/٤	-٥/٣	٢/٣	٩٢-٩٣
٤/٨	٣/٢	٦/١	١١/٣	٠/٩	٤/٢	٤/٣	٥/٥	٥/٢	٤/٥	٩٣-٩٤
٥/٤	٣/٥	٥/٩	١٣/١	٣/١	٤/٨	١/٥	٣/٦	٦/٦	٥/٣	٩٤-٩٥
٥/٤	٦/٨	٧/١	١٠/٨	١/٥	٥/١	٣/١	٤/٨	١١/٧	٦/٨	٩٥-٩٦
٦/١	٥/٦	٦/٤	١١/٨	-١/٦	٣/٦	-٢/١	١/٣	٠/١	١/٩	٩٦-٩٧
٦/١	٢/٧	٧/٦	٧/٨	-١/٤	٣/٢	٧/٦	-١/٦	٣/٨	٤/٣	٩٧-٩٨
٦/١	٢/٦	٦/١	٥/٧	٠/٤	٤/١	٣/٧	٤/٢	٣/١	٣/٢	٩٨-٩٩
٦/١	٣/٣	٥/٨	٣/٤	٣/٨	٤/٥	٠/١	١/٦	٥/٥	٤/٥	٩٩٩٩-٩٠٠٠
توسط دكتور										
٣/٤	٥/١	٧/٤	١٢/٧	١/٧	٥/٥	٤/٨	٥/٥	١/٤	٤/٨	١٩٧٠-١٩٧١
٣/٥	٢/٦	٧/٨	٧/٣	٣/٤	٦/٦	٨/٢	٨/٣	٤/١	٦/١	١٩٨٠-١٩٨١
٥/٧	٧/٨	٧/١	٩/٧	١/٤	٦/٤	٣/٦	٣/٩	٤/٤	٤/٦	١٩٩٠-١٩٩١
٥/٧	٨/٧	٧/٢	٩/٤	١/٤	٤/٥	٣/٦	٤/١	٤/٥	٤/٦	١٩٨٨-١٩٨٩

جدول ۵: آمار تجارت خارجی (۲۰۰۰-۱۹۹۹-۷۳-۱۹۷۲)

واردات	صادرات	کسری حساب	کسری تجاری	کل تجارت	واردات	صادرات	میزان تبدیل	میلیون دلار آمریکا		سال
								واردات	صادرات	
درصدی از GDP							درصد تبدیل			
میزان رشد										
		۱/۱	۱/۳	۱۷/۸	۹/۶	۸/۲		۸۹۱	۷۶۱	۱۹۷۲-۷۳
۶۷/۶	۳۳/۲	۵/۴	۵/۳	۷۸/۰	۱۶/۶	۱۱/۴	۱۵/۴	۱۴۹۳	۱۰۲۰	۷۳-۷۴
۴۱/۶	-۴/۱	۹/۴	۱۰/۰	۲۷/۳	۱۸/۷	۸/۶	-۱/۲	۲۱۱۴	۹۸۷	۷۴-۷۵
۱/۲	۱۸/۸	۶/۲	۷/۴	۲۴/۹	۱۶/۱	۸/۸	.	۲۱۳۹	۱۱۶۲	۷۵-۷۶
۱۳/۰	-۲/۶	۵/۹	۸/۴	۲۳/۳	۱۵/۹	۷/۴	۰/۱	۲۴۱۸	۱۱۳۲	۷۶-۷۷
۱۳/۸	۱۳/۳	۲/۷	۸/۲	۲۲/۴	۱۵/۳	۷/۱	.	۲۷۵۱	۱۲۸۳	۷۷-۷۸
۳۸/۷	۷۸/۱	۵/۰	۱۱/۰	۲۷/۵	۱۹/۲	۸/۳	.	۳۸۱۶	۱۶۴۴	۷۸-۷۹
۲۷/۳	۴۲/۴	۳/۷	۱۰/۶	۳۰/۴	۲۰/۵	۹/۹	.	۴۸۵۷	۲۳۴۱	۷۹-۸۰
۱۴/۵	۱۹/۶	۲/۸	۱۰/۱	۳۰/۷	۲۰/۴	۱۰/۳	-۰/۱	۵۵۶۳	۲۷۹۹	۸۰-۸۱
۳/۷	-۱۷/۱	۳/۴	۱۰/۵	۲۴/۷	۱۷/۶	۷/۱	۰/۱	۵۷۶۹	۲۳۱۹	۸۱-۸۲
-۲/۷	۱۳/۳	۰/۶	۱۰/۴	۲۸/۸	۱۹/۶	۹/۲	۷۸/۲	۵۶۱۶	۲۱۲۷	۸۲-۸۳
۶/۷	۱/۶	۲/۲	۱۰/۷	۲۷/۸	۱۹/۲	۸/۶	۶/۱	۵۹۹۳	۲۶۶۹	۸۳-۸۴
۰/۳	-۷/۹	۴/۱	۱۱/۷	۲۷/۲	۱۹/۳	۷/۹	۱۲/۴	۶۰۰۹	۲۴۵۷	۸۴-۸۵
-۰/۴	۱۹/۷	۲/۴	۹/۵	۲۸/۰	۱۸/۸	۹/۲	۶/۵	۵۹۸۴	۲۹۴۲	۸۵-۸۶
-۳/۲	۱۸/۹	۱/۰	۶/۹	۲۷/۹	۱۷/۴	۱۰/۵	۶/۴	۵۷۹۲	۳۴۹۸	۸۶-۸۷
۱۹/۵	۲۴/۷	۳/۱	۶/۷	۲۹/۴	۱۸/۰	۱۱/۴	۲/۴	۶۹۱۹	۴۳۶۲	۸۷-۸۸
۴/۲	۶/۲	۳/۴	۶/۴	۲۹/۶	۱۸/۰	۱۱/۶	۹/۲	۷۲۰۷	۴۶۳۴	۸۸-۸۹
۲/۸	۶/۳	۳/۴	۶/۲	۳۰/۹	۱۸/۶	۱۲/۳	۱۱/۶	۷۴۱۱	۴۹۲۶	۸۹-۹۰

ادامہ جدول ۵.

۱۳/۱	۱۹/۸	۳/۰	۵/۵	۳۱/۴	۱۸/۴	۱۳/۰	۴/۶	۸۳۸۵	۵۹۰۲	۹۰-۹۱
۷/۳	۱۴/۶	۱/۹	۴/۶	۳۲/۴	۱۸/۵	۱۳/۹	۱۰/۸	۸۹۹۸	۶۷۶۲	۹۱-۹۲
۱۱/۷	۰/۳	۶/۴	۶/۳	۳۲/۵	۱۹/۴	۱۳/۱	۴/۵	۱۰۰۴۹	۶۷۸۵	۹۲-۹۳
-۱۳/۶	-۱/۵	۳/۲	۷/۸	۲۹/۵	۱۶/۷	۱۲/۸	۱۶/۲	۸۶۸۵	۶۶۸۵	۹۳-۹۴
۱۸/۵	۱۶/۱	۳/۵	۴/۲	۲۹/۶	۱۶/۹	۱۲/۷	۲/۳	۱۰۲۹۶	۷۷۵۹	۹۴-۹۵
۱۶/۷	۷/۱	۶/۸	۵/۸	۳۱/۸	۱۸/۸	۱۳/۰	۸/۸	۱۲۰۱۵	۸۳۱۱	۹۵-۹۶
-۶/۴	-۲/۶	۵/۶	۵/۰	۳۰/۶	۱۷/۸	۱۳/۸	۱۶/۲	۱۱۲۴۱	۸۰۹۶	۹۶-۹۷
-۸/۴	۴/۲	۲/۷	۲/۹	۲۹/۶	۱۶/۳	۱۳/۳	۱۰/۸	۱۰۳۰۱	۸۴۳۴	۹۷-۹۸
-۹/۳	-۱۰/۲	۲/۶	۲/۹	۲۸/۰	۱۵/۵	۱۲/۵	۱۶/۱	۹۳۴۴	۷۵۷۰	۹۸-۹۹
۷/۴	۱۲/۱	۲/۳	۲/۶	۲۹/۰	۱۵/۷	۱۳/۳	۴/۲	۱۰۰۳۳	۸۴۸۸	۹۹-۰۰*
۲۷/۳	۱۸/۶	۵/۱	۸/۹	۳۶/۸	۱۷/۸	۹/۰	۱/۸	میائیں دہہ ۱۹۷۰		
۴/۴	۸/۵	۲/۷	۸/۴	۲۸/۶	۱۸/۵	۱۰/۱	۸/۸	میائیں دہہ ۱۹۸۰		
۲/۷	۴/۵	۲/۹	۴/۲	۳۰/۳	۱۷/۳	۱۳/۰	۹/۹	میائیں دہہ ۱۹۹۰		

* برآورد سہیلہ SBP

منبع: بانک دولتی پاکستان - گزارش سالانہ سال

جدول ۶: روند فقر در پاکستان

شهری	روستایی	کل پاکستان	سال
۴۴/۵۳	۳۸/۹۴	۴۰/۲۴	۱۹۶۳-۶۴
۴۰/۹۶	۴۵/۶۲	۴۴/۵۰	۱۹۹۶-۶۷
۳۸/۷۶	۴۹/۱۱	۴۶/۵۰	۱۹۶۹-۷۰
۲۵/۹۴	۳۲/۵۱	۳۰/۶۸	۱۹۷۹
۲۱/۱۷	۲۵/۸۷	۲۴/۴۷	۱۹۸۴-۸۵
۱۴/۹۹	۱۸/۳۲	۱۷/۳۲	۱۹۸۷-۸۸
۱۸/۶۴	۲۳/۵۹	۲۲/۱۱	۱۹۹۰-۹۱
۱۵/۵۰	۲۳/۳۵	۲۲/۴۰	۱۹۹۲-۹۳
۲۷/۰۰	۳۲/۰۰	۳۱/۰۰	۱۹۹۶-۹۷
۲۵/۹۰	۳۴/۸۰	۳۲/۶۰	۱۹۹۸-۹۹

۱. امجد و کمال (۱۹۹۷)، سیاست‌های کلان و اثر آن روی کاهش فقر در پاکستان؛ بررسی توسعه پاکستان ۳۶/۰۱ (بهار)

۲. کورشی و آریف (۱۹۹۲) تجزیه و تحلیل فقر در پاکستان، PIDE

۹. خلاصه نتایج

مقاله، اقدام‌های آزادسازی جهانی در پاکستان را بررسی می‌کند. به‌رغم آزادسازی تجاری وسیع عملکرد تجاری پاکستان نامناسب (ناموفق) بوده است. رشد صادرات آهسته باقی مانده در حالی که درجه بازبودن تجارت به شکل درصدی از تولید ناخالص داخلی بعد از آزادسازی کاهش یافته است. این می‌تواند به علت این حقیقت باشد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که شرط تکمیلی برای موفقیت آزادسازی تجاری در ارتقاء صادرات است به قدر کافی افزایش نیافته است. به علاوه پاکستان خیلی سریع وارد آزادسازی تجاری شد که در کاهش اساسی میزان رشد بخش صنعت مقیاس بزرگ نیز منعکس شده است. میزان آزادسازی از الزام بانک تجارت جهانی بیشتر بوده زیرا میزان‌های تعرفه بیش از تعرفه بانک تجارت جهانی کاهش یافته است که به نظر می‌رسد یک ضرر قابل ملاحظه درآمدی را باعث شده و در نتیجه موجب اتکاء شدید به استقراض برای تأمین کسری بودجه شده است. این موارد همراه با کاهش مداوم ارزش پول موجب افزایش بدهکاری و نسبت بالای خدمات بدهی شده است. یک روش تدریجی درآمد کمتر و زمان بیشتر را برای چرخاندن منابع صرف کرده است.

اتکاء زیاد بر مقیاس یا سرعت در مدیریت تقاضا روی رشد ضدمولد است. تعدیل ساختاری همراه آزادسازی در قالب بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به نظر می‌رسد روند بلندمدت رشد و فقر را در پاکستان بدتر کرده است. میزان و سرعت تثبیت قابل بحث است. روش تدریجی به قربانی کمتری از زیربنای اقتصادی و اجتماعی را منتهی می‌شود و امکان زمان بیشتری برای چرخش منابع را فراهم می‌آورد. تأکید بیشتر باید بر حصول توازن مالی از طریق افزایش درآمد از مالیات‌های مصرفی و درآمدی باشد، به طوری که از کاهش شدید مخارج اجتناب شود.

با توجه به این حقیقت که جهانی‌سازی غیرقابل اجتناب است، سیاست‌گذار باید در صدد باشد بیشتر فشارهای هزینه‌ای که در کوتاه‌مدت ایجاد می‌شود را اصلاح کند. باید شبکه‌های تأمین قادر به ارائه کمک به فقرا وضع شود یا به طور مناسب افزایش و تقویت شود. باید به برنامه‌هایی که برای ارائه خدمات نیاز فقرا است توجه شود (مثلاً انتقالات برای خرید مواد غذایی) و آن‌هایی که فقیر از آن بهره‌مند می‌شود. نظیر طرح‌های کارهای دولتی و سایر برنامه‌های بازارکار که اشتغال را برای فقرا ایجاد می‌کند و دارایی‌های دولتی در مناطق فقیر را توسعه داده و حفظ می‌کند.

نیاز به ترکیب اهداف حصول میزان رشد بالاتر اقتصادی با الگوی کلی پیشرفت اجتماعی و توزیع وجود دارد تا از رشد سریع فقر در پاکستان و سایر کشورهای در حال توسعه اجتناب شود. این اهداف باید به روشی حاصل شود که شفافیت و مشارکت بر مبنای وسیع در انتخاب اهداف، تنظیم سیاست‌ها و مونیتورینگ (تنظیم‌بندی) اجرا را در برداشته باشد.

پی نوشت:

* تیلات انور مدیر بخش (محقق) در بانک ایالتی پاکستان (بانک مرکزی) کراچی است. نظریه های بیان شده مؤلف در این جا منعکس کننده نظریه های بانک نیست. مؤلف از پروفیسور هانس سینگور، مؤسسه مطالعات اقتصادی دانشگاه ساسکس و دکتر اندرو مک کی، دانشگاه ناتینگهام انگلیس، به خاطر تفسیرات شان در پیش نویس پیشین این مقاله قدردانی می کند.

1. Wacziarg (1998)

2. Burlci and Savitslcy (2000)

۳. برای جزئیات بیشتر بخش بعدی در مورد آزادسازی تجاری را ببینید.
۴. برای بحث بیشتر در مورد این عوامل به خان (۱۹۹۷) مراجعه شود.
۵. نگاه کنید به لویس و گیسینجر (۱۹۶۸) و اسکیتورسکی و اسکات (۱۹۷۰)
۶. نگاه کنید به: تقوی و کمال (۱۹۹۱)
۷. دولت پاکستان (۹۹-۱۹۹۰)
۸. نگاه کنید: علی ام. شوکت (۲۰۰۰)
۹. برای بحث بهتر در این مورد رجوع شود به مک کی (۲۰۰۰)، مک کی (۱۹۹۹)، وینترز (۲۰۰۰) و آنکتاد (۱۹۹۶)، حسینی (۱۹۹۶)، صندوق بین المللی پول (۱۹۸۶)، بانک جهانی (۱۹۹۰).
۱۰. به عنوان مثال، توزیع تابع درآمد خانوارها مانند توزیع شخصی است، کار میان بخش ها و مناطق کاملاً متحرک است و کالاها در میان عرضه کنندگان داخل و خارج همگن (متجانس) هستند و بین بازارهای تولید و عوامل، رقابت کامل است، رجوع شود به وینترز (۲۰۰۰).
۱۱. رجوع شود به: ماتوزاس. و تار دی. (۱۹۹۹) و هرسون و ریونگا (۱۹۹۸).
۱۲. دولت پاکستان (۲۰۰۰).
۱۳. برای بحث بهتر مراجعه شود به وینترز (۲۰۰۰) و مک کی (۲۰۰۰).
۱۴. دولت پاکستان (۲۰۰۰)، اما تخمین های مستقل میزان بیکاری را در سطح خیلی بالاتری نشان می دهد - دو برابر بالاتر از رقم ادعایی دولت.
۱۵. این ها شامل: نسیم (۱۹۷۳-۱۹۷۹)، علاء الدین (۱۹۷۵)، مجاهد (۱۹۷۸)، کروایک و لی اوون (۱۹۸۵)، عرفان و امجد (۱۹۸۴)، مالک، محمد، اج (۱۹۹۸)، احمد و لودلو (۱۹۸۹)، ارسلان (۱۹۹۱)، مالک، سهیل، جی، (۱۹۹۲)، مالک، ح اهتواز (۱۹۹۲)، گازدار (۱۹۹۴)، بانک جهانی (۱۹۹۵)، انور (۱۹۹۶)، امجد و کمال (۱۹۹۷)، و دولت پاکستان (۲۰۰۰).

۱۶. نسیم (۱۹۷۳)، مالک (۱۹۸۸) انور (۱۹۹۶).
۱۷. در کار مشابهی، مطالعات برنامه تعدیل ساختاری آفریقا به وسیله بانک جهانی نیز اعلام داشته که آن کشورهایی که برنامه را اجرا کرده در مقایسه با کشورهایی که نکرده‌اند رشد بالاتری داشته‌اند اما تحلیل‌گر با همان داده به کار برده و آن را مورد چالش قرار داده و به نتیجه مخالف رسیده است. رجوع شود به آنکناد و بانک جهانی (۱۹۹۴) و
۱۸. اگرچه سایر عوامل از قبیل خشک‌سالی، مدیریت ضعیف و فساد افراطی می‌تواند روی روندهای فقر اثر داشته باشد اما این عوامل در طی زمان ثابت است. آن‌ها در دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ نیز مهم بودند که کشور میزان رشد بالایی را همراه با کاهش اساسی در وقوع فقر تجربه کرد.
۱۹. به علت این که میزان رشد جمعیت حدود ۲/۵ درصد است بنابراین میزان رشد هدف باید از دو برابر میزان رشد جمعیت بالاتر باشد.
۲۰. به عنوان مثال برنامه‌های کوپن غذایی و سیستم کمک و زکات - یک انتقال مذهبی.

Ahmad, E. and S.LudLow (1989): Growth, Poverty and inequality in Pakistan, Pakistan Development Review.

Ahmad, Mushtaq (1992), Choice of a norm of poverty Threshold and Extent of Poverty in Paksitan, mimeo, Ministry of Finance, Islamabad.

Ail, M. Shaukat (2000), Trade and Industrial Policy in Pakistan: Post -Uruguay Round Challenges, Prepared for the World Bank, WTO-2000 Project.

Amjad, R. and M. Irfan (1984): "Poverty in Rural Pakistan", in ILO-ARTEP (1984) (eds), Impact of Return Migration on Domestic Employment in Pakistan: A Preliminary Analysis.

Amjad, R and Kemal, A.R. (1997), Macroeconomic Policies and their Impact on Poverty Alleviation in Pakistan, Pakistan Development Review, 36:1 (Spring)

Anwar, Talat (1996), Structural Adjustment and Poverty: The Case of Pakistan Pakistan Development Review, 35:4 (Winter).

Burki, Shahid Javed, and Savitsky, Joseph J. (2000), Globalization: An Agenda

- for Policy Analysis, EMP Financial Advisors, LLC, Washington, D.C.
- Callaghy, Thomas and Revenhil, John (1994): *Hemmed in Responses to Africa's Economic Decline*, Columbia University Press, New York.
- Chamber, Rober (1995), *Poverty and livelihoods: Whose Reality Counts?* Institue of Development Studies, University of Sussex, Discussion Paper No. 311.
- Dollar (1992), *Outward-Oriented Developing Economies Really Do Grow More Rapidly: Evidence From 95 LDCs, 1976-1985*, Economic Developme Research Department, The World Bank, Washington, DC.
- Edwards, S. (1998) "Openness, Productivity and Growth: What Do We Really Know?", *Economic Journal*: Vol, 108, pp. 383-98.
- Eecelawn, Aly (1990), *Absolute Poverty in Pakistan*, Memo, Applied Economics Research Centre, Karachi.
- Fiedlds, Gary S. (1989), *Changes in Poverty and Inequality in developing Countries*, Research Observer 4,no. 2, IBRD, The World Bank.
- Federal Bureau of Statistics, *Household Income and Expenditure Survey (HIES)*, 1987-88 and 199-91, Micro Data Tape, Statistics Division, Islamabad.
- Francisco Rodriguez, Dani Rodrik (1999): "Trade Policy and Economic Growth: A Skeptic's to Cross-National Evidence", NBER Working Paper No. W7081.
- Government of Pakistan (1992), *Economic Reforms*, November 1990-January, 1992, Ministry of Finance and Economic Affairs, January.
- Gazdar, Hairs, Stephen Howes and Salman Zaid (1994), *Recent Trends in Poverty in Pakistan*, STICERD, London School of Economics, Background Paper for the Pakistan Poverty Assesment, memeo.
- Government of Pakistan (1990/99), *Economic Survey*, Ministry of Finance, Islamabad, and Various issues from 1990 to 1999.

- Government of Pakistan (2000), Economic Survey, Ministry of Finance, Islamabad
- Husain, Ishrat (1996), Globalization and Liberalization: Effof International Economic Relations on Poverty, UNCTAD, Geneva.
- Harrison, A and Revenga, A (1998)" Labour markets, foreign investment and trade policy reform in J. Nash and W. Takacs, (eds) Trade Policy reform: Lessons and implications, The World Bank, Washingtwn, D.C. pp. 271-276.
- IMF (1986), Fund Supported Programs, Fiscal Policy and Income Distribution, Occasional Paper No.46
- Kakwani, Nanak, (1990), Testing for Significance of Poverty Differences with Application to Cote d Ivoire, LSms Working Paper No.62, The World Bank, Washington, D.C.
- Khan Ashfaq, H (1997), Foreign Direct Investment Pakistan: Policies and Trends, Pakistan Development Review, 36: 4, Part - II (Winter 1997) pp: 959-985.
- Khan Ashfque, H (1998), The Experience of Trade Liberalization in Pakistan, Development Review, 37:4 Part-II (Winter 1998) pp; 661-685.
- Kruik and Leeuwen (1985), Changes in Poverty in Pakistan, Pakistan Development Review.
- Lewis and Guisinger (1968), Measuring Protection in a Developing Country: The Case of Pakistan", Journal of Political Economy, Nov, Dec.
- Little I.T., Scitovsky T., and Scott, M. (1970), Industry and Trade in Some Developing Countries: A Comparative Study, OECD, London
- Malik, Mohammad, H. (1988), Existing Evidence on Poverty, Pakistan Development Review.
- Malik, Sohail, J. (1992), Rural Poverty in Pakistan, Pakistan Development Review

Malik, Shahnawaz (1992), Rural Poverty in Pakistan, Ph.D. Thesis submitted to University of Sussex.

Mckay, A., Milner, C., Kedir, A., and Franco, S. (1999) "Trade, Technology and Poverty: the Linkages-A Review of the Literature". A Report to the International Economic Policy Department of DFID, CREDIT, University of Nottingham.

Mckay, A., Winters, A.L., and kedir, A. (2000) "A Review of Empirical Evidence on Trade, Trade Policy and Poverty", A Report to Department for International Development (DFID), prepared as background document for the Second Development white Paper.

Moselay, Paul and Weeks, John (1993): Assessing Adjustment in Africa, World Development

Mujahid, G.B. (1978), Measurement of Poverty and Income Distribution, Pakistan Development Review 17:3.

Matusz, Steven J. and David Tarr: (1999) Adjusting to Trade Policy Reform", Policy Research 2142, World Bank, Washington DC.

Naseem, S.M. (1973): "Mass Poverty in Pakistan: Some Preliminary Findings" Pakistan Development Review, Vol. 12: 4, 312-360.

Naqvi and Kemal (1991), Protectionism and Efficiency in Manufacturing: A Case Study of Pakistan. san Francisco, California: ICS Press, International Centre for Economic Growth and Pakistan Institute of Development Economics. Sachs, J.D. and A. Warner (1995), Economic Reform and Process of Global Integration," Brooking Papers on Economic Activity pp. 1-117.

Sen, A.K. (1993), Capability and Well-being, In the Quality of life, Nussbaum and Sen, eds, Oxfoed: Clarendon Press.

Qureshi S.K. and G.M. Arif (1999), Profile of Poverty in Pakistan, 1998-99: PIDE.

UNCEA (no date) United Nation Economic Commission for Africa: Africa Alternative Framework to Structural Adjustment Programme for Socio-Economic Recovery and Transformation.

UNCTAD (1996), Globalization and Liberalization: Effects of International Economic Relations on Poverty, International Inter-Agency Conference, United Nations, Geneva, April.

Winters, L.A. (2000), Trade, Trade Policy and Poverty: What are the Links? School of Social Science, University of Sussex, Brighton, Center for Economic Policy Research London, and Center for Economic Performance, London School of Economics, UK.

Winters, L.A. (2000a), "Trade Liberalization and Poverty" Paper Prepared for the UK Department for International Development, mimeo, University of Sussex, UK.

Wacziarg, Romain (1998), "Measuring the Dynamic Gains from Trade", Policy Research Working Paper 2001, World Bank (View/download Acrobat version of document)

World Bank (1990), Making Adjustment Work for the Poor, A Framework for Policy Reform in Africa, World Bank, Washington, D.C.

World Bank (1994) Adjustment in Africa: Reform, Results and the Road Ahead: Oxford University Press, New York.

World Bank (1995), Pakistan Poverty Assessment, World Bank, Washington, D.C.

World Bank (1999), World Development Report 1998/99, World Bank, Washington, D.C.

World Bank (Fourthcoming), World development Report 2000/01, World Bank, Washington, D.C.